
ولایة علی بن ابی طالب
دومین
ندای ولایت در
کنگره بین المللی غدیر
گرجستان ـ تفلیس
۲۲ دی ۱۳۸۴
۱۱ ذی الحجه ۱۴۲۶
2006 jan 12
مرکز مدیریت حوزه علمیه قم
بنیاد بین المللی غدیر
موسسه آل البیت گرجستان
سازمان اوقاف و امور خیریه
ستاد بزرگداشت غدیر استان قم

بسم الله الرحمن الرحیم

ندای ولایت در دومین کنگره بین المللی غدیر

نویسنده:

ستاد بزرگداشت غدیر استان قم با مشارکت مدیریت حوزه علمیه قم مجمع جهانی اهل‌بیت بنیاد بین‌المللی غدیر

ناشر چاپی:

انتشارات مسجد مقدّس جمکران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

ندای ولایت در دومین کنگره بین المللی غدیر

مشخصات کتاب

سرشناسه : کنگره بین المللی غدیر (نخستین : ۱۳۸۳ : قم) عنوان و نام پدیدآور : ندای ولایت در اولین کنگره بین‌المللی غدیر / [برگزارکننده ستاد بزرگداشت غدیر استان قم با مشارکت مدیریت حوزه علمیه قم مجمع جهانی اهل بیت بنیاد بین‌المللی غدیر]. مشخصات نشر : قم : مسجد مقدس جمکران ستاد بزرگداشت غدیر استان قم ۱۳۸۴ مشخصات ظاهری : ۸۰ ص ۱۹ × ۱۰ سم شابک : ۳۵۰۰ ریال وضعیت فهرست نویسی : فاپا یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس. موضوع : غدیر خم -- کنگره‌ها موضوع : ولایت -- کنگره‌ها شناسه افزوده : ستاد بزرگداشت غدیر شناسه افزوده : حوزه علمیه قم شناسه افزوده : مجمع جهانی اهل بیت (ع) شناسه افزوده : بنیاد بین‌المللی غدیر شناسه افزوده : مسجد جمکران (قم) رده بندی کنگره : BP۲۲۳/۵۴/ک۹ ۱۳۸۳ رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۵۲ شماره کتابشناسی ملی : م۸۴-۱۱۹۳۸

مقدمه

بسم اللَّه الرحمن الرحیم الیوم أکملت لکم دینکم وأتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الإسلام دیناً دومین کنگره بین المللی غدیر در تفلیس پایتخت کشور گرجستان، که در گذشته متصل به کشور ایران بوده و هم اکنون حدود ۷۰۰ هزار شیعه دارد برگزار گردید. علاوه بر پیام‌های و مقالاتی که در این کتاب آمده، مقالاتی نیز از طلاب و دانشجویان محترم گرجی و آذری و ... ارایه گردید. در برگزاری این کنگره سفیر محترم جمهوری اسلامی ایران، نماینده سازمان حوزه‌ها و مدارس خارج از کشور، نماینده مجمع جهانی اهل بیت‌علیهم السلام، نماینده دفتر مقام معظم رهبری در آذربایجان، نماینده ریاست جمهوری گرجستان، اسقف اعظم مسیحیان گرجستان، نمایندگانی از واتیکان و مسیحیان آمریکا، سفیر جمهوری آذربایجان، سفیر ترکیه، معاون رئیس جمهوری گرجستان در امور ادیان در جلسه حضور داشتند که برخی از آنان عضو هیئت رئیسه نیز بوده‌اند. در برگزاری این اجلاس و با توجّه به امکانات محدود، هیئتی از شهر مقدّس قم چند روزی را پی‌گیر آماده‌سازی و مقدمات کار بودند. محل برگزاری این اجلاس ساختمان مؤسسه آل البیت‌علیهم السلام گرجستان و برگزار کنندگان این اجلاس مدیریت حوزه علمیه قم، بنیاد بین المللی غدیر، مؤسسه آل البیت‌علیهم السلام، ستاد بزرگداشت غدیر استان قم و سازمان اوقاف و امور خیریه و دبیر کل کنگره استاد گران‌قدر حضرت حجّت الاسلام والمسلمین حسینی بوشهری بودند. از مسؤولین محترم صدا و سیما، معاونت امور بین‌الملل، به ویژه نمایندگی صدا و سیما در باکو و مسؤل اجرایی کنگره در گرجستان حجّت الاسلام و المسلمین حاج سیّد صادق هاشمی ده سرخی و تمام عزیزانی که ما را در برگزاری این کنگره یاری نموده‌اند، کمال تشکر و قدردانی را داریم. حسین احمدی قمی دبیر اجرایی دوّمین کنگره بین‌المللی غدیر

پیام حضرت آیت اللَّه العظمی فاضل لنکرانی «دامت برکاته»

بسم اللَّه الرحمن الرحیم الحمد للَّه رب العالمین والصلوة والسلام علی سیّدنا ونبینا أبی القاسم محمّد وعلی آله الطیّبین الطاهرین المعصومین. قال اللَّه تبارک وتعالی: یا أیّها الرسول بلّغ ما أنزل إلیک من ربّک وإن لم‌تفعل فما بلّغت رسالته واللَّه یعصمک من الناس ... نعمت هدایت بشر توسط انبیای عظام، بزرگ‌ترین موهبتی است که خداوند به بشریت ارزانی داشته و منّت عظیمی است که هیچ امری با آن برابری نمی‌کند، و افتخار ما مسلمانان آن است که مرحله کامل این هدایت و جامع‌ترین شریعت خداوندی،

توسط بزرگ‌ترین پیامبر الهی نصیب ما گردید. دین اسلام عصاره و نتیجه تبلیغ همه انبیای الهی و کامل‌ترین ادیان است و پیام‌آور این دین شخصیتی است که همه انبیای گذشته، آرزوی درک حضور او را داشتند. رسول گرامی اسلام‌صلی الله علیه وآله در طول بیست و سه سال زندگی مبارک خویش، آنچه را که مأمور به تبلیغ آن بودند، برای مردم بیان فرمودند و در این راه مقدّس، متحمّل رنج‌ها و زحمات فراوان شدند، تا این‌که انسان در بند جاهلیت را از پرتگاه جهل و نادانی و ذلّت بت‌پرستی نجات داده و به آن‌جا رسانیدند که درخور شأن خلیفهٔ اللهی است. مسلّم است آنچه با رنج فراوان به دست آمده، باید باقی بماند، باید بعد از رسول گرامی اسلام‌صلی الله علیه وآله کسانی باشند که این دین جاودانی و همیشگی را پاسداری نمایند. باید برای تبیین کتاب آسمانی قرآن و تفسیر و توضیح آن، کسانی باشند که بتوانند دقیقاً آنچه را که خداوند تبارک و تعالی اراده فرموده برای مردم بیان نمایند. باید کسانی باشند که واجد درجه عصمت باشند و به صورت صحیح، مقصود خداوند را برای جامعه تبیین نمایند. از این جهت، پیامبر اکرم‌صلی الله علیه وآله به دستور خداوند متعال در حجّهٔ الوداع و در موضعی به نام غدیر خم در یک ابلاغ عمومی و گسترده، علی بن ابی طالب‌علیه السلام را به عنوان جانشین خود معرّفی فرمود. گرچه پیامبر عزیز در مناسبت‌های مختلف حتّی از آغاز رسالت، با الفاظ و عبارات متفاوت این امر را به مردم تفهیم نموده بود، امّا از طرف خداوند مأمور شد که در یک جمع فراوان از مسلمانان، بیان کند که همان طوری که من بر شما ولایت دارم، علی‌علیه السلام هم همان نحوه ولایت را دارد و هر کسی که من مولا و سرپرست او هستم، علی هم همین‌طور (من کنت مولاه فهذا علیّ مولاه) و سپس در حقّ دوستان آن بزرگوار دعا فرموده و دشمنان او را نفرین کرده: «اللّهمّ وال من والاه وعاد من عاداه وانصر من نصره واخذل من خذله». بعد از این جریان بود که خداوند فرمود: «الیوم أکملت لکم دینکم وأتممت علیکم نعمتی ورضیت لکم الإسلام دیناً؛ امروز دین را برای شما کامل و نعمت خود را بر شما تمام کردم و برای شما به دین اسلام راضی گشتم». بنابراین با تحقق ولایت، دین خداوند کامل گشت و عید غدیر، عید ولایت و اتمام نعمت و اکمال دین گردید. این حدیث شریف را فریقین در کتب خود، به طرق مختلف نقل نموده‌اند، بلکه طرقی را که علمای اهل سنت ذکر نموده‌اند به مراتب از نظر تعداد، بیشتر از آن چیزی است که شیعیان نقل نموده‌اند و هیچ جای انکار در صدور این فرمان الهی نیست، به طوری که مسلمانان حاضر در آن اجتماع عظیم به امیر المؤمنین‌علیه السلام تبریک گفته و اظهار داشتند: «بخ بخ لک یا علی!» نمی‌توانند نسبت به صدور این حدیث شریف تردیدی کنند، در صدد تأویل آن برآمده که صد البتّه علمای اسلام و افراد منصف و مدافعین واقعی اسلام از آن دفاع نموده و درباره آن، کتاب‌ها نوشته‌اند که کتاب گران‌سنگ «الغدیر» یکی از بهترین این کتب است. باید دانست که نعمت بزرگ امامت و ولایت ائمه معصومین‌علیهم السلام باارزش‌ترین گوهری است که خداوند به ما عنایت فرموده است، با تمسک به این حبل متین الهی و با تبعیت از این شجره طیبه است که می‌توان سعادت دنیا و آخرت را رقم زد. هلاکت و نجات در اعتقاد و عدم اعتقاد به این خاندان و در حبّ و ولاء و فرمان بری از آنان است. در دنیای پر از ظلمت امروز و آکنده از ظلم و تجاوز و مشحون از عقاید باطل و سخیف و مالامال از حیله و تزویر و نیرنگ و زور، تنها و فقط تنها چراغی که روشنایی حقیقی و دائمی دارد، سراج منیر عترت و انوار مشعشع و پر از فروغ علی بن ابی طالب و اولاد طاهرین ایشان؛ خصوصاً حجت حیّ زمان، ولیّ مطلق دوران، حضرت صاحب الزمان «عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف» است، و همه باید بدانیم در پرتو این ذوات مقدّسه است که می‌توان به حقیقت قرآن دست یافت و از هدایت آن بهره برد، با بیان و تفسیر اینان، هدایت‌گری قرآن به منصه ظهور می‌نشیند. اینجانب ضمن تبریک این عید سعید به همه مسلمانان و شیعیان و ضمن تشکر و تقدیر از برگزار کنندگان این اجتماع و مجلس مهم، به همه مسلمانان و شیعیان و به همه طبقات؛ خصوصاً دانشجویان و طلاب و اهل فکر و نظر توصیه می‌کنم که مبادا این سفره گسترده از امامت محروم باشید و باید قلب و دل و زبان خود را همیشه مزیّن و مترنّم به کلمات دُرر بار آنان بنماییم. باید بدانیم حق آن چیزی است که مطابق با کلمات آنان باشد و آنچه را که آنان باطل می‌دانند، واقعاً باطل است و این مطلب نه از وادی حبّ و تعصب است، بلکه مستند به کلام رسول خداصلی الله علیه وآله است که فرمودند: «علیّ

مع الحقّ والحقّ مع عليّ، يدور معه حيثما دار». خداوند همه را از پیروان واقعی اسلام و پیامبر و ائمه طاهرین‌علیهم السلام قرار دهد. إن شاء اللّه. محمّد فاضل لنكرانی

مقاله مدیر محترم حوزه علمیه قم حضرت آیت اللّه حسینی بوشهری

شخصیت‌های استثنایی تاریخ

بشر در تاریخ زندگی خود شاهد شخصیت‌هایی بوده که با تحرک و انقلاب خود، کشتی زندگی انسان‌ها را به ساحل نجات رسانده‌اند و از سقوط و نابودی در غرقاب بدبختی نجات داده‌اند. برای چنین افرادی فنا و نابودی مفهوم ندارد و همواره اشعّه حیات‌بخش آن‌ها بسان خورشید بر تارک اعصار می‌درخشد. در این میان، دسته خاصّی بیش از طبقات دیگر مورد عشق و علاقه مردم می‌باشند. این گروه، مربّیان آسمانی و پیشوایان بزرگ الهی هستند.

امیر المؤمنین علی‌علیه السلام و ویژگی‌های بی‌همانند او

از چهره‌های بسیار درخشان و برجسته این گروه، امیر المؤمنین علی‌علیه السلام است؛ زیرا او از نظر ایمان، عقیده، اخلاص، پاکی و تقوی، علم و دانش، سماحت و بخشش، شهامت و شجاعت، عطوفت و مهربانی، عدالت گستری، عشق و علاقه به معنویت و سایر ارزش‌های الهی در درجه‌ای قرار گرفته که ابعاد شخصیت او را نمی‌توان با مقیاس‌های معمولی سنجید. اگر مرور زمان برای شخصیت‌های معمولی وسیله فراموشی است؛ ولی درباره شخصیت علی‌علیه السلام درست نتیجه معکوس می‌دهد و روز به روز دنیا در مقابل وجود او، بیشتر سر تعظیم فرود می‌آورد.

تفاوت‌ها درباره علی‌علیه السلام

او کسی است که افراد مختلف درباره او قضاوت کرده‌اند. شبلی شمیّل درباره او می‌گوید: «الإمامُ عَلِيُّ بْنُ أَبِی طالِبٍ (علیه السلام) عَظِيمُ العُظَماءِ، نُسْخَةٌ مُفْرَدَةٌ لَمْ يُرَ لَهَا الشَّرْقُ وَلَا الغَرْبُ صُورَةً طِبْقَ الأَصْلِ لا قَدِيماً وَلا حَدِيثاً؛ او بزرگ بزرگان است، یگانه نسخه‌ای است که با اصل خود (پیامبر اسلام‌صلی الله علیه وآله) مطابق است و هرگز شرق و غرب نسخه‌ای مطابق او در گذشته و حال ندیده.» جورج جرداق در کتاب صوت العدالة الإنسانية می‌گوید: «ماذا عَلَيْکَ يا دُنْيا! لَوْ حَشَدْتَ قُواکَ، فَأَعْطَيْتَ فِی کُلِّ زَمَنٍ عَلِيّاً بِعَقْلِهِ وَقَلْبِهِ وَلِسانِهِ وَذِی فِقارِهِ؛ چه می‌شد ای روزگار! قدرت‌ها و نیروهای خود را بسیج می‌کردی و در هر دوره‌ای، انسانی را مانند علی از نظر خرد، روح و روان، سخن و بیان، قدرت و شجاعت، به جامعه بشری تحویل می‌دادی؟»

علی‌علیه السلام اسوه زندگی

هر مکتب و مرامی وقتی پا به عرصه وجود می‌گذارد، برای این‌که بتواند جاذبه ایجاد نماید و دل‌ها را تسخیر کند، اقداماتی انجام می‌دهد. یکی از آن اقدامات، کار تبلیغی است و از طریق تبلیغ به معرفی آن مکتب می‌پردازد؛ ولی اقدامی مؤثرتر از آن، ارائه الگو یا الگوهای موفق است. مکتب‌های انبیای الهی به خصوص قرآن و اسلام، علاوه بر استفاده از روش تبلیغ، از این روش موفق بهره برده‌اند. در جای جای قرآن به شرح زندگی پیامبران الهی پرداخته است. از جمله شخصیت‌های نمونه‌ای که هم قرآن او را معرفی کرده و هم پیامبرصلی الله علیه وآله، شخصیت امیرالمؤمنین‌علیه السلام است. قرآن کریم در یکجا می‌فرماید: «إِنَّما وَلِيُّکُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلوةَ وَيُؤْتُونَ الزَّکوةَ وَهُمْ راکِعُونَ»؛(۱) همانا ولیّ و سرپرست شما، خدا و رسول خداصلی الله علیه وآله و

کسانی هستند که نماز را به پا می‌دارند و در حال رکوع در راه خدا به مستمندان انفاق می‌کنند. و پیامبر اسلام‌صلی الله علیه وآله درباره او می‌فرماید: «یا عَلِیُّ! ما عَرَفَکَ غَیْرُ اللَّهِ وَغَیْری؛ ای علی! غیر از من و خدا کسی تو را نشناخت.» این چنین شخصیتی می‌تواند بهترین سرمشق زندگی انسان‌ها قرار گیرد. او بسیاری از واژه‌ها را ترجمه و معنا کرد، که اگر قدم به جهان هستی نمی‌گذاشت، آن کلمات بدون مصداق باقی می‌ماند؛ واژه‌هایی چون: ایثار، عدالت، شجاعت، زهد، تقوی و عبادت و دستگیری از محرومان.

علی‌علیه السلام و منطق ثابت او

کمتر کسی پیدا می‌شود که در همه شرایط زمانی و مکانی یک منطق داشته باشد، یک منطق ثابت و محکم که از منطق خود تجاوز نکند. نویسنده‌ای به نام «علی الوردی» که استاد دانشگاه است، تعبیری به کار برده که بیانگر عظمت امیر المؤمنین‌علیه السلام است. می‌گوید: «انصاف این است که علی در زندگی خود این اصل مارکس را نقض کرد که یک انسان نمی‌تواند دارای یک منطق ثابت باشد، در کاخ و کوخ یک جور فکر کند. خواه ناخواه فکرش عوض می‌شود و آن عقربه فکرش در جهت وضع اجتماعی‌اش تغییر می‌کند. تاریخ علی‌علیه السلام نشان داد که مطلب از این قبیل نیست؛ به جهت این‌که ما او را در وضع طبقاتی اجتماعی مختلف می‌بینیم. در حدّ نزدیک به صفر و در آن نقطه اوج. علی یک روز به عنوان یک فرد عادی ظاهر می‌شود که به کار زراعت و حفر قنات می‌پردازد، او یک جور فکر می‌کرد، همین علی بعدها که اسلام توسعه پیدا کرد، و به خلافت و رهبری مسلمانان برگزیده شد، همان نحوه فکر و اندیشه را دارد. او از راه عدالت، انسان دوستی و احترام به همنوع لحظه‌ای فاصله نمی‌گیرد.»

غدیر، جلوه شخصیت علی‌علیه السلام

آنچه درباره وجود مقدّس امیر المؤمنین‌علیه السلام بیان شد، این زمینه را فراهم ساخت که خداوند به پیامبرش دستور دهد که او را به عنوان جانشین خود معرفی کند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «یا أَیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ»؛(۲) ای رسول خدا! آنچه مقرّر شده از ناحیه خداوند (خلافت و رهبری علی‌علیه السلام) را به جامعه ابلاغ کن. که اگر ابلاغ نکنی و این مأموریت را انجام ندهی، گویا رسالت خود را به انجام نرسانده‌ای. اینجاست که می‌بینیم: پس از پایان سفر حج، پیامبرصلی الله علیه وآله مسلمانان را در مکانی که هر کدام از آن‌ها به سمت شهر و دیار شان باز می‌گشتند، متوقف نمود و این مأموریت بزرگ الهی را به مسلمانان ابلاغ کرد. و با جمله زیبای: «اَللَّهُمَّ والِ مَنْ والاهُ وَعادِ مَنْ عاداهُ» به معرفی او پرداخت. امیدواریم خداوند ما را جزء علاقه‌مندان و رهروان آن امام و پیشوای انسانیت قرار دهد، و این روز عید بزرگ اسلامی را بر همه ما مبارک گرداند. سید هاشم حسینی بوشهری قم المقدّسه ۸۴/۱۰/۱۶

مقاله حجّت الاسلام والمسلمین حسینی قزوینی

مقاله حجّت الاسلام والمسلمین حسینی قزوینی

غدیر، استمرار رسالت جهانی پیامبر اکرم‌صلی الله علیه وآله

شکی نیست که غدیر، تنها یک حادثه طبیعی در گذرگاه زمان نیست؛ بلکه غدیر، درخشش نور هدایت خداوندی، در سراسر هستی است. غدیر، یک رخدادی ساده در بستر تاریخ نیست؛ بلکه غدیر، پیام جاودانی اسلام برای همه نسل‌ها در تمام عصرها است. غدیر، بخشی از زمان، و یا قطعه‌ای از زمین نیست؛ بلکه غدیر، استمرار رسالت جهانی پیامبر اکرم‌صلی الله علیه وآله برای تمام

ملّت‌ها و امّت‌ها در امتداد تاریخ بشر است. غدیر، یک موضوعی ساده از معارف اسلامی نیست؛ بلکه غدیر، ملاک و معیار راستینی برای ایجاد وحدت امّت اسلامی با همه اختلافات نژادی و فرهنگی است. آری! غدیر، ندای روشنی است برای بسیج همه نیروهای ملّت اسلامی در سراسر گیتی و بهره گیری از همه توانها در برابر دشمنان دیرینه اسلام. غدیر، بانگ خروشی است بر همه کجی ها و انحرافات در تاریخ اسلام. غدیر، سرآغاز شکل گیری فصل جدیدی از تاریخ اسلام است که با معرفی رسمی ولایت علی‌علیه السلام دین الهی کمال یافت و نعمت حق به اتمام رسید و رضایت پروردگار از اسلام راستین محمدی‌صلی الله علیه وآله اعلام گردید. چنان‌که در قرآن آمده است: «اَلْیَوْمُ أَکْمَلْتُ لَکُمْ دِینَکُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَیْکُمْ نِعْمَتِی وَرَضِیتُ لَکُمُ الْإِسلامَ دِیناً». غدیر، استمرار رسالت انبیا از حضرت آدم تا حضرت خاتم (علیهم السلام) است که بدون آن، رسالت حق نا تمام و تلاش بی‌وقفه بیست و سه ساله رسول خداصلی الله علیه وآله به ثمر نمی‌نشست؛ «وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ». غدیر، معرفی اَبَر مرد تاریخ بشریت است که کارنامه زندگی‌اش، سراسر افتخار و عزّت و مجاهدت منحصر به فردی است که مایه مباهات آزاد اندیشان است که دانشمند بلند آوازه ای همانند جورج جرداق مسیحی می گوید: «ماذا عَلَیْکَ یا دُنْیا! لَوْحَشَدْتَ قُواکَ، فَأَعْطَیْتَ فِی کُلِّ زَمَنٍ عَلِیّاً بِعَقْلِهِ وَقَلْبِهِ وَلِسانِهِ وَذِی فِقارِهِ؛(۳) ای دنیا! چه می‌شد که تمام نیروی خود را بسیج می کردی و برای هر عصری شخصیتی همانند علی را با آن عقل محکمش و قلب استوارش و شمشیر برّانش به جامعه تحویل می‌دادی». غدیر، شناساندن مردی است که پرچم پرافتخار اسلام تنها به دست باکفایت او به اهتزاز درآمد. خلیفه دوم می گوید: «وَاللّهِ! لَوْلا سَیْفُهُ لَما قامَ عَمُودُ الْإِسْلامِ» (۴). غدیر، یعنی شناختن کسی که، نه تنها پیشتاز در صحنه برقراری عدالت بود؛ بلکه خود نیز از این رهگذر الگویی کارآمد به شمار می‌آمد و هنوز هم با همان ویژگی‌های منحصر به فرد، برجسته‌ترین شاخص برقراری عدالت شناخته می‌شود، به گونه‌ای که «میخائیل نعیمه» از شخصیت‌ها و نویسندگان بزرگ مسیحی می گوید: قهرمانی های امام علی‌علیه السلام، تنها منحصر به میدان‌های کارزار نیست؛ بلکه او در روشن اندیشی، پاکی وجدان، سِحر بیان، عُمق و کمال انسانیت، شور و حرارت ایمان، بلندی همّت و فکر، یاوری و هواداری از رنج دیده‌ها و ستم کشیده ها در قبال جفا کاران و ستم پیشگان و فروتنی در مقابل حق، هرجا که تجلّی کند نیز قهرمان است. و همه این قهرمانی‌ها به هر اندازه که از زمان آن بگذرد، همیشه پناهگاه پُر مایه‌ای است که امروز و هر روز دیگری که شوق ما برای پی‌ریزی اجتماع و زندگی سعادتمندانه و فاضله‌ای تشدید می‌شود، به سوی آن رو می کنیم.(۵) غدیر، یعنی شناسایی مردی که در تمام ابعاد انسانی؛ همانند: شجاعت و مهربانی، عبادت و سیاست، علم و عمل، برازندگی و بالندگی، همه و همه منحصر به فرد بود، به گونه‌ای که پس از ۱۴۰۰ سال، چشم بشر مانند او را ندیده است، آن گونه‌ای که «شبلی شمیل»، شاگرد داروین و ناشر نظریه تحوّل در شرق و منکر مقدّسات و جهان ماورای طبیعت، می گوید: «الإمامُ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طالِبٍ (علیه السلام) عَظِیمُ العُظَماءِ، نُسْخَةٌ مُفْرَدَةٌ لَمْ یُرَ لَهَا الشَّرْقُ وَلَا الغَرْبُ صُورَةً طِبْقَ الأَصْلِ لا قَدِیماً وَلا حَدِیثاً(۶)؛ او بزرگ بزرگان است، یگانه نسخه‌ای است که با اصل خود (پیامبر اسلام‌صلی الله علیه وآله) مطابق است و هرگز شرق و غرب نسخه‌ای مطابق او در گذشته و حال ندیده.» آری! غدیر، پایه‌گذاری حکومت جهانی حضرت مهدی - عجّل اللّه فرجه الشریف - است که تحققبخش آرمان همه پیامبران، صالحان و مستضعفان می‌باشد. و اینک برای بررسی حادثه غدیر، نه تنها باید خطبه غدیر خوانده شود و یا مراسم بیعت با صاحب غدیر به گفت و گو گذاشته شود؛ بلکه حرکت رسول اکرم‌صلی الله علیه وآله در آخرین سفر خود از مدینه تا مکه و از مروه تا عرفات و از منی تا غدیرخم باید بررسی شود و همه سخنرانی‌های آن حضرت در طول سفر، در کنار کوه مروه، در صحرای عرفات، در گوشه منی و در منطقه رابغ (کنار جحفه) که همه و همه زمینه‌ساز همایش بزرگ ولایت بود، مورد مطالعه قرار گیرد، تا اهمّیت دو چندان این قضیه بر همگان روشن شود و پیام جاودانه غدیر به گوش عموم برسد و راه عذر و فرار بر دوست و دشمن بسته شود.

حجّةُ الوداع، نکته‌ها و پیام‌ها رسالت جهانی و تعیین جانشین

از آن جایی که پیامبر اکرم‌صلی الله علیه وآله خاتم پیامبران است و با رسالت او پرونده نبوت برای همیشه پایان می‌پذیرد؛ از این رو، باید برای استمرار هدف‌های بزرگ رسالت خویش، کسانی را جایگزین نماید تا بار این مسؤولیت سنگین را برعهده گیرند. و از آن جایی که رسالت پیامبر اکرم‌صلی الله علیه وآله ویژه قوم و قبیله خاصّی نبود، بلکه حضرت‌صلی الله علیه وآله برای همه نسل‌ها در تمام عصرها مبعوث شد و شریعت ایشان تا ابد جاودانه است، باید برای زمان پس از خود، کسانی را برگزینند که بیانگر احکام الهی برطبق مقتضیات هر عصر و زمان بوده و بتوانند پاسخ‌گوی مشکلات جوامع متمدن و پیشرفته جهان باشند. از این روست که پس از نزول آیه شریف: «إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِکُلِّ قَوْمٍ هادٍ» (۷) رسول گرامی‌صلی الله علیه وآله فرمود: «من بیم دهنده امتم». و آن‌گاه دست بر شانه علی‌علیه السلام نهاد و فرمود: «تو هدایت‌گر امّتی و به دست تو هدایت‌یافتگان، هدایت خواهند شد.» (۸) حاکم نیشابوری عالم بلندآوازه اهل سنّت به روایت صحیح از حضرت امیرعلیه السلام نقل کرده که فرمودند: «رسول گرامی‌صلی الله علیه وآله بیم دهنده و من هدایت‌گر هستم.» (۹) آلوسی مفسّر بزرگ اهل سنّت نیز، در تفسیر این آیه شریف می‌نویسد: «انسان کامل که مسؤولیت جانشینی الهی را بر دوش می‌کشد، باید تا برپایی قیامت، جاودانه در عالم هستی بماند. به مجرّد این‌که آن انسان کامل و جانشین الهی از این جهان رخت بربندد، نابودی گیتی فرا خواهد رسید؛ زیرا او روح عالم هستی و قوام آن وابسته به اوست.» (۱۰)

اعلام عمومی و اتمام حجّت

رسول گرامی‌صلی الله علیه وآله در طول ۲۳ سال تلاش بی‌دریغ و با تحمل دشواری‌های فراوان، توانست بساط بت پرستی را در جزیرهٔ العرب برچیده و ندای اسلام ناب را به گوش مردم برساند. تمام قبایل عرب، یا با جان و دل، به آیین مقدّس اسلام روی آوردند، و یا پس از تلاش مذبوحانه چندین ساله در برابر اسلام، سرانجام در برابر قدرت سربازان سلحشور و مجاهدان نستوه اسلامی سر تسلیم فرود آورده بودند، به گونه‌ای که ندای ملکوتی توحید، سراسر جزیرهٔ العرب را فرا گرفته بود. زمانی که رسول خداصلی الله علیه وآله دریافت که سال پایانی عمر مبارک خود را طی می‌کند و به زودی به دیدار معبود خواهد شتافت، برای این‌که تلاش ۲۳ ساله خود را به کمال برساند و اهداف رسالت خویش را برای همیشه از انحراف بیمه کند، برآن شد تا در آخرین سال عمر شریف خود به زیارت خانه خدا برود و دستور داد که اعلام عمومی شود تا همه آنان که امکان سفر برایشان فراهم است، او را در این مسافرت همراهی کنند و در مراسم گزینش و اعلام جانشین او حاضر شوند و شاهد و ناظر این امر اساسی باشند. با انتشار این خبر، همه مهاجران و انصار و دیگر قبایل عرب و گروه‌های مختلف مردم از شهرها و روستاها و حتّی عشایر صحرانشین با شور و هیجان به سوی مدینه آمدند تا به همراه رسول اکرم‌صلی الله علیه وآله اعمال حج را به جا آورند. بزرگان اهل سنّت، آمار شرکت‌کنندگان در این حج را بین ۹۰۰۰۰ تا ۱۲۴۰۰۰ نفر تخمین زده‌اند.(۱۱) حضور جمعیت انبوه در این مراسم به دلایل زیر بود: ۱. حجّت بر آنان تمام شود و راه هر گونه عذر و توجیه بسته شود. ۲. پیام این مراسم بزرگ و حماسی را به گوش آنان که حضور ندارند، برسانند. ۳. محتوای سخنان حضرت را در این مجتمع بی‌نظیر برای آیندگان بازگو کنند. از این روست که حضرت صدّیقه طاهره علیها السلام می‌فرماید: «فَما جَعَلَ اللَّهُ لِأَحَدٍ بَعْدَ غَدِیرِ خُمٍّ مِنْ حُجَّةٍ وَلا عُذْرٍ؛(۱۲) خداوند پس از مراسم غدیر خم، برای کسی راه گریز و عذری باقی نگذاشت.» و در برابر بهانه‌جویی های انصار فرمود: «وَهَلْ تَرَکَ أَبِی یَوْمَ غَدِیرِ خُمٍّ لِأَحَدٍ عُذْراً؟!؛(۱۳) آیا پدرم در غدیر خم عذری برای کسی باقی گذاشت؟!» هم‌چنین بر پیمان شکنان بعد از رسول خداصلی الله علیه وآله فریاد برآورد: «أَ نَسِیْتُمْ قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ یَوْمَ غدِیرِ خُمٍّ: «مَنْ کُنْتُ مَوْلاهُ فَعَلِیٌّ مَوْلاهُ؟!؛(۱۴) آیا سخن رسول خداصلی الله علیه وآله را فراموش کردید که در روز غدیر خم فرمود: هر کس من مولای اویم، علی مولای اوست.»

سیره پیامبران و نصب جانشین

تمام پیامبران الهی برای نجات جامعه از سر در گمی و اختلاف، برای زمان پس از خود جانشین معین کرده‌اند؛ «لکلّ نبیّ وصیّ و وارث» (۱۵) مانند شیث، که جانشین حضرت آدم بود(۱۶) و نیز هارون، که جانشین حضرت موسی‌علیه السلام بود و پس از درگذشت او در زمان حضرت موسی‌علیه السلام منصب خلافت به نام یوشع بن نون رقم خورد(۱۷) و هم‌چنین شمعون به مقام جانشینی حضرت عیسی‌علیه السلام برگزیده شد.(۱۸) به یقین رسول اکرم‌صلی الله علیه وآله نیز از این قاعده و سنّت الهی مستثنی نبوده، بلکه خداوند متعال پس از آن‌که شماری از پیامبران گذشته را یاد می‌کند، آن‌گاه به حضرتش دستور می‌دهد که از سیره آنان پیروی کند: «أُولئِکَ الَّذِینَ هَدَی اللَّهُ فَبِهُداهُمْ اقْتَدِه» (۱۹)؛ پیامبران گذشته به هدایت الهی دست یافته‌اند، پس به هدایت آنان اقتدا نما. بلکه فراتر از این، رسول اکرم‌صلی الله علیه وآله در تمام غزوات و مسافرتها، برای غیبت چند روزه از مدینه، یکی از اصحاب را جانشین خود در مدینه قرار می‌داد؛(۲۰) برای نمونه رسول اکرم‌صلی الله علیه وآله ابن اُمّ مکتوم را در سیزده غزوه (بدر، اُحد، ابواء، سویق، ذات الرقاع و) ... به جانشینی خود در مدینه برگزید.(۲۱) ابو رُهْم را به هنگام عزیمت به مکه، جنگ حنین و خیبر، محمد بن مسلمه را در جنگ قرقره، نمیلهٔ بن عبداللّه را در جنگ بنی المصطلق و عویف را در جنگ حدیبیه و ... جانشین خود قرار داد.(۲۲) بنابراین، معقول نیست که بگوییم رسول اکرم‌صلی الله علیه وآله که برای خروج یک روزه از مدینه، مانند شرکت در جنگ اُحد که در یک مایلی مدینه بود، برای خود جانشین برگزید؛ ولی امّت اسلامی را بدون جانشین برای همیشه ترک نماید. هم‌چنین درست نیست که پیامبر گرامی‌صلی الله علیه وآله برای شرکت در جنگ خندق که در کنار مدینه بود، برای خود جانشین تعیین کند؛ اما برای زمان طولانی پس از خود، جانشینی را انتخاب نکند. از این رو بود که رسول گرامی‌صلی الله علیه وآله در سفر حجّهٔ الوداع به هنگام خروج از مدینه، ابودجانه را به جانشینی موقّت خویش در مدینه برگزید که در غیاب او، تمام امور مربوط را انجام دهد(۲۳) و در روز غدیر خم نیز برای همیشه علی‌علیه السلام و یازده فرزندش را جانشین و خلیفه خود معرفی فرمود تا وظیفه سنگین هدایت امّت را بر دوش کشند.

نخستین سخنرانی رسول خداصلی الله علیه وآله در مکه مکرمه

رسول اکرم‌صلی الله علیه وآله در طول سفر خود در حجّهٔ الوداع در موارد مختلف سخنرانی کرد و با خواندن خطبه و بیان نکته‌های لازم، از سویی مسلمانان را با اساسی‌ترین تکالیف خود آشنا کرد؛ و از سویی دیگر زمینه را برای همایش عمومی برای جایگزینی جانشین فراهم آورد. سیوطی از استوانه‌های علمی اهل سنت، می‌نویسد: حاکم نیشابوری در روایتی که آن‌را صحیح می‌داند، از جابر نقل کرده که رسول اکرم‌صلی الله علیه وآله در سفر حجهٔ الوداع پس‌از ورود به مکه مکرمه و به جا آوردن مراسم سعی، در کنار کوه مروه فرمود: «أيّهاالناس! من‌لم‌يكن معه هدى فليحلّل وليجعلها عمرهٔ؛(۲۴) آنان که قربانی با خود نیاورده‌اند باید از احرام بیرون بیایند و سپس روز ترویه (هشتم ذی حجّه) در آستانه حضور در عرفات برای حج تمتّع مُحرم شوند.» ولی صحابه نپذیرفتند و گفتند: «أيروح أحدنا إلى عرفهٔ وفرجه يقطر منيّاً؛(۲۵) زمانی که آثار نزدیکی با زنان را در خود مشاهده می‌کنیم، چگونه برای عرفات حرکت کنیم.» وقتی این سخن به گوش رسول اکرم‌صلی الله علیه وآله رسید، روز چهارم ذی حجّه، در کنار کوه صفا خطبه‌ای خواند و پس از حمد الهی فرمود: «أمّا بعد؛ فتعلمون أيّها الناس! لأنا واللّه أعلمكم باللّه وأتقاكم له، ولو استقبلت من أمرى ما استدبرت ما سقت هدياً ولا حللت؛ ای مردم! من از همه شما به خدا آگاه‌تر و باتقواترم. اگر می‌دانستم چه پیش می‌آید، با خود قربانی نمی‌آوردم و از احرام بیرون می‌آمدم.» گفتند: «كيف نجعلها عمرهٔ وقد سمّينا الحجّ؟؛ ما به نیت حجّ احرام بسته‌ایم، چگونه آن را به عمره مبدل سازیم؟!» حضرت‌صلی الله علیه وآله فرمود: «اقبلوا ما أمرتكم به، واجعلوا إهلالكم بالحجّ عمرهٔ، فلولا أنّى سقت الهدى لفعلت مثل الّذى أمرتكم به؛(۲۶) آنچه را دستور دادم، عمل کنید و مناسک خود را عمره قرار داده و از احرام بیرون بیایید، و اگر من قربانی همراه نداشتم، همان‌گونه که به شما دستور دادم، خود نیز عمل می‌کردم.»

مخالفت صحابه با دستور رسول اکرم‌صلی الله علیه وآله

در صحیح مسلم، که اهل سنّت آن را صحیح‌ترین کتاب بعد از قرآن می‌دانند، از قول عایشه آمده است: «قدم رسول‌اللَّه‌صلی الله علیه وآله لأربع مضین من ذی‌الحجّة أو خمس، فدخل علَیّ وهو غضبان. فقلت: من أغضبك یا رسول اللَّه! أدخله اللَّه النار؛(۲۷) روز چهارم ذی حجّه بود که رسول اکرم‌صلی الله علیه وآله با ناراحتی و عصبانیت نزد من آمد، و من گفتم: یا رسول اللَّه! چه کسی شما را غضبناك کرده است؟ خدا او را داخل آتش گرداند!» مسند احمد، دیگر کتاب معتبر اهل سنت، از زبان براء بن عازب، صحابی بزرگ پیامبرصلی الله علیه وآله نقل کرده است: «خرج رسول‌اللَّه‌صلی الله علیه وآله وأصحابه فأحرمنا بالحجّ، فلمّا قدمنا مكّة قال: اجعلوا حجّکم عمرة. فقال الناس: یا رسول اللَّه! قد أحرمنا بالحجّ، فكیف نجعلها عمرة؟ قال: انظروا ما آمرکم به فافعلوا. فردّوا علیه القول، فغضب ثمّ انطلق حتّی دخل علی عائشة غضبان، فرأت الغضب فی وجهه فقالت: من أغضبك؟ أغضبه اللَّه! قال: وما لی لا أغضب، وأنا آمر بالأمر فلا أُتّبع؟!(۲۸) رسول اکرم‌صلی الله علیه وآله به همراه اصحاب خویش به سوی مکه حرکت کرد و همگی به نیّت حجّ مُحرم شدیم. وقتی به مکه رسیدیم، حضرت دستور داد که حجّ خود را عمره قرار داده و از احرام بیرون آییم؛ ولی مردم سخن رسول خداصلی الله علیه وآله را رد کرده و دستور حضرت را اطاعت نکردند. رسول خداصلی الله علیه وآله غضبناك شد و از میان مردم بیرون آمد و راهیِ منزل عایشه گردید. وقتی عایشه حضرت را در آن حال دید، گفت: چه کسی شما را غضبناك ساخته که بر غضب خدا گرفتار آید؟! حضرت فرمود: چگونه غضبناك نشوم و حال آن‌که دستور مرا فرمان نمی‌برند.»

پیام‌های این قضیه

رسول اکرم‌صلی الله علیه وآله در طول ۲۳ سال همه کوشش‌های خود را برای آشنایی مردم با آیین اسلام و معارف قرآنی به کار برده است، ولی از آن جایی که ایمان در قلب و جان آنان جای نگرفته، هنوز نمی‌دانند که بی چون و چرا سخن رسول اکرم صلی الله علیه وآله باید اجرا شود، چنان‌که قرآن‌کریم می‌فرماید: «وَما آتاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَما نَهاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِیدُ الْعِقابِ» (۲۹) آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید (و اجرا کنید)، و از آنچه نهی کرده خودداری نمایید؛ و از (مخالفت) خدا بپرهیزید که خداوند کیفرش شدید است! هنوز سخن حق را با جان و دل درك نکرده‌اند، که می‌فرماید: «وَما یَنْطِقُ عَنِ الْهَوی * إِنْ هُوَ إِلّا وَحْیٌ یُوحی ؛(۳۰) تمام سخنان رسول گرامی‌صلی الله علیه وآله مطابق وحی الهی است، و سخن به گزاف و هوای نفس بر زبان نمی‌راند. و هنوز نمی‌دانند که مخالفت و عصیان رسول گرامی‌صلی الله علیه وآله، همان مخالفت خدا و موجب گمراهی است؛ «وَمَنْ یَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلالاً مُبِیناً» (۳۱) از همه مهم‌تر، این سرپیچی آشکار صحابه و ایستادگی آنان در برابر فرمان رسول اکرم‌صلی الله علیه وآله نشان می‌دهد که قضیه عدالت صحابه افسانه‌ای بیش نیست؛ زیرا شرط نخست تحقق عدالت، انجام واجبات الهی است و کدام واجبی فراتر از دستور آشکار پیامبر اکرم‌صلی الله علیه وآله می‌باشد؟! و کدام گناهی بالاتر از آزار رسول اکرم‌صلی الله علیه وآله که موجب غضب او می‌شود، به گونه‌ای که عایشه را به نفرین وا می‌دارد؟!

دومین خطبه رسول اکرم‌صلی الله علیه وآله روز عرفه

در صحیح مسلم آمده است: رسول اکرم‌صلی الله علیه وآله روز عرفه در خطبه‌ای فرمود: «إنّ دمآءکم وأموالکم حرام علیکم کحرمة یومکم هذا فی شهرکم هذا فی بلدکم هذا. ألا! کلّ شیء من أمر الجاهلیة تحت قدمی موضوع ودمآء الجاهلیة موضوعة ... وربا الجاهلیة موضوع وأوّل رباً أضع رباءاً، ربا عباس بن عبد المطلب، فإنّه موضوع کلّه؛ همان‌گونه که این روز عرفه، ماه ذی حجّه و شهر مکه برای شما محترم است، خون و مال شما محترم بوده و هرگونه کشتار و خون‌ریزی و دست درازی به مالهای دیگران نیز حرام

است. ای مردم! آگـاه باشـید که من تمـام آداب و رسوم زمـان جـاهلیت را زیر پـا نهادم و نیز خونهایی که در دوران جاهلیت ریخته شـده، بایـد فراموش شود و قابـل قصـاص نیست. و همه تعهـدات ربـوی که در جـاهلیت منعقـد شـده، بی‌اعتبـار است و کسـی حقّ درخواست آنهـا را نـدارد. نخستین مورد از مطالبـات ربوی که از اعتبـار انـداختم، ربـا هـای عموی من عباس است که از مردم طلب داشت.» * * * «فـاتّقوا اللّه فی النسآء، فإنّکم أخـذتموهنّ بأمان اللّه واسـتحللتم فروجهنّ بکلمـهٔ اللّه ولکم علیهنّ أن لایوطئنّ فرشـکم أحـداً تکرهونه، فإن فعلن ذلک فاضـربوهنّ ضـرباً غیر مبرح ولهنّ علیکم رزقهنّ وکسوتهنّ بالمعروف؛ مردم! حقوق زنان را مراعات کنیـد؛ زیرا آنان امانت الهی‌انـد و آنان هم بایـد حقوق شـما را رعایت کننـد و در صورت سرپیچی از وظایف شـرعی، می‌توانید بر اسـاس موازین اسـلامی آنان را ادب کنیـد، بی آن‌که بر آنان سـتم کنیـد. و نفقه و هزینه زنـدگی زنان را بایـد به صورت شایسـته و مطابق شؤونات آنان تأمین کنیـد.» * * * «وقد ترکت فیکم ما لن تضـلّوا بعده إن اعتصـمتم به، کتاب اللّه وأنتم تسألون عنّی فما أنتم قائلون؟ قالوا: نشـهد أنّک قد بلّغت وأدّیت ونصـحت. فقال بإصـبعه السـبابهٔ یرفعها إلی السـمآء وینکتها إلی الناس: اللّهمّ اشـهد! اللهمّ اشهد! ثلاث مرّات، ثمّ أذّن ثمّ أقام فصلّی الظهر؛(۳۲) من در میان شما کتاب خدا را به یادگار می‌گذارم که اگر به آن روی آورید، برای همیشه از هرگونه گمراهی در امان خواهیـد بود. اگر از شـما درباره من بپرسـند، چه پاسـخی می‌دهید؟! همگی گفتند: گواهی می‌دهیم که تمام کوشـش خود را در امر رسالت انجام دادی و در ابلاغ رسالت و نصـیحت امّت، هیچ‌گونه کوتاهی نکردی. آن‌گاه حضـرت انگشت سبّابه خود را به سوی آسمان بلند کرد و به طرف مردم اشاره نمود و سه بار فرمود: خدایا! تو شاهد باش پس اذان و اقامه گفت و نماز ظهر را به جا آورد.» * * *

نکته‌ها و پیام‌های این خطبه

نکته‌ها و پیام‌های این خطبه

۱. امنیت جانی

رسول اکرم‌صلی الله علیه وآله در این خطبه بر یکی از اساسی‌ترین وظیفه حکومت که تأمین امنیت جانی و حفظ ناموس افراد جامعه است – که بدون آن هیچ شهروندی احساس آرامش نمی‌کند – تأکید فرموده است.

۲. امنیت اقتصادی

رسول اکرم‌صـلی الله علیه وآله در این خطبه بر ثروتی که از راه ربـا و بـدون کوشـش اقتصـادی به دست آیـد، خـط بطلان کشـید و انباشـته شـدن ثروت از این راه را، که موجب گسترش بیکاری در جامعه می‌شود، غیر مشـروع و اخلال در امنیت اقتصادی برشـمرده است. روشن است که رشـد و بالنـدگی اقتصادی هر جامعه به میزان ارزش نهادن به تلاشـگران در سـنگر اقتصادی بسـتگی دارد که بدون آن هیچ انگیزه‌ای برای فعالیت اقتصادی در افراد باقی نمی‌ماند. و از سویی نیز، بیکاری و فساد اقتصادی سرچشـمه تمام مفاسد اخلاقی و عقیدتی می‌شود که فرموده‌اند: «کاد الفقر أن یکون کفراً.»

۳. رعایت حقوق زن

بـا توجه به این که در دوران جـاهلیت زن را تنهـا کالاـ و ابزاری در دست مرد می‌دانسـتند و چه بسـا نوزاد دختر را مایه ننگ جامعه می‌شـمردند و در برخی از جوامع جاهلی آنان را زنـده به گور می‌کردند، به گونه‌ای که عمر بن خطاب وقتی دید رسول اکرم‌صـلی الله علیه وآله چگونه دختـر نوزاد خود را نوازش داده و مورد محبت قرار می‌دهـد، بی‌اختیـار گفت: اگر خورشـید اسـلام چنـد سـال

جلوتر طلوع کرده بود، ما اکنون دارای دختران زیادی بودیم. رسول خداصلی الله علیه وآله در این خطبه بر اندیشه‌های جاهلی درباره زن خط بطلان کشید و جایگاه ویژه‌ای برای آنان در جامعه بشری ترسیم کرد.

۴. تبیین جایگاه قرآن

قرآن تنها معجزه جاودانه رسول اکرم‌صلی الله علیه وآله است و باید برای همیشه در جوامع بشری مورد توجه قرار گیرد و تأمین سعادت هر فرد و جامعه، به شیوه بهره‌گیری از رهنمود قرآنی بستگی دارد و رسول گرامی‌صلی الله علیه وآله در این بخش از خطبه خویش اهمّیت قرآن و نقش آن در بیمه کردن جامعه از هر گونه ضلالت و گمراهی را گوشزد فرمود. گرچه با قراین دیگر می‌دانیم که رسول اکرم‌صلی الله علیه وآله در هر کجا سخن از قرآن به میان آورده، آن را قرین به اهل بیت‌علیهم السلام قرار داده و نشان داده است که روی آوردن به قرآن بدون پیروی از اهل بیت‌علیهم السلام که تبیین کننده قرآنند، امکان‌پذیر نیست و به تنهایی نمی‌تواند افراد و جامعه را از هرگونه انحراف بیمه کند. ولی از آن‌جا که سیاست حاکمان اسلامی، بساط حکومت خود را بر مبنای مخالفت با اهل بیت‌علیهم السلام استوار ساخته بودند و دوام حکومت خود را در مبارزه با اهل بیت‌علیهم السلام می‌دانستند؛ همان‌گونه که امام سجادعلیه السلام وقتی به مروان گفت: شما که معترفید کسی از عثمان همانند علی‌علیه السلام دفاع نکرده، پس چرا او را در بالای منابر ناسزا می‌گویید؟ مروان پاسخ داد: «لا یستقیم الأمر إلّا بذلک؛ اساس حکومت ما به این امر بستگی دارد.» (۳۳) از این رو، مورخان و محدثان باتوجه به سیاست حاکمان وقت، نسبت به نقل قضیه اهل بیت‌علیهم السلام در کنار قرآن خودداری کرده‌اند، گرچه موارد متعددی که نقل شده برای اثبات قضیه کفایت می‌کند. گفتنی است: در برخی از مصادر اهل سنت به جای «أهل بیتی» یعنی سفارش به اهل بیت جمله «و سنّتی» یعنی توصیه به سنّت، ذکر شده است.(۳۴) در این جا توجه به چند نکته ضروری است: ۱. شکی نیست که این تغییر عبارت، متأثّر از سیاست غلط حاکمان جور می‌باشد که توان تحمل اهل بیت‌علیهم السلام را نداشته‌اند و با توجّه مردم به خاندان عصمت و طهارت‌علیهم السلام، موقعیت خود را در خطر می‌دیدند. ۲. توصیه به کتاب و سنت، یعنی جمله «کتاب اللّه و سنّتی» در روایاتی که سند آن از دیدگاه اهل سنّت صحیح باشد، وارد نشده است، همان‌گونه که حاکم نیشابوری از علمای بزرگ اهل سنت نیز می‌گوید: «ذکر الاعتصام بالسنّة فی هذه الخطبة غریب؛(۳۵) ذکر تمسک به سنت در این خطبه از عرف روایی بعید است.» برخلاف توصیه به کتاب و اهل بیت‌علیهم السلام، یعنی «کتاب اللّه وعترتی» که در صحیح مسلم و موارد متعدد دیگر با سندهای صحیح و غیر قابل انکار وارد شده است. ۳. توصیه به کتاب و سنت، منافاتی با تمسک به اهل‌بیت عصمت و طهارت‌علیهم السلام ندارد؛ زیرا آنان جز سخنان رسول اکرم‌صلی الله علیه وآله سخن دیگری بیان نمی‌کردند که امام صادق‌علیه السلام فرمود: «سخنان ما، همان سخنان جدّم امیر مؤمنان‌علیه السلام و سخنان امیرمؤمنان‌علیه السلام همان سخنان رسول اکرم‌صلی الله علیه وآله و گفتار خداوند متعال است.» (۳۶) و مردم را جز به کتاب الهی و سنّت پیامبراکرم‌صلی الله علیه وآله به چیز دیگری راهنمایی نمی‌کردند که خلیفه دوم به ابن عباس گفت: «شایسته‌ترین فردی که مردم را به کتاب الهی و سنّت پیامبر وادار نماید، علی بن ابی طالب است. به خدا سوگند! اگر علی حکومت را به دست گیرد، مردم را به راه روشن و صراط مستقیم هدایت خواهد کرد.» (۳۷)

۵. انجام وظایف رسالت

رسول اکرم‌صلی الله علیه وآله در این بخش از خطبه که فرمود: «تسألون عنّی فما أنتم قائلون؟؛ نظر شما درباره من چیست؟» سه مطلب اساسی را پایه‌ریزی فرمود: الف) با توجه به «نشهد أنّک قد بلّغت وأدّیت ونصحت» گواهی مردم که در ابلاغ رسالت و خیرخواهی امّت، هیچ‌گونه کوتاهی صورت نپذیرفته است، راه هرگونه بهانه برای گریز از مسؤولیت‌ها را برای همه و همیشه بست.

ب) برای کسانی که در آینده مسؤولیت هدایت جامعه را برعهده می گیرند، نشان داد که باید تمام وظایف رهبری و هدایتی خود را به نیکوترین شیوه انجام دهند و در امر ابلاغ و رهنمود ملّت، هیچ گونه کوتاهی نورزند. ج) قضاوت نیک توده مردم درباره رهبر و هدایت گر، نشانه عملکرد ارزشمند اوست، امیرالمؤمنین‌علیه السلام در نامه خود به مالک فرمود: «وإنّما یستدلّ علی الصالحین بما یجری اللَّه لهم علی ألسن عباده.» (۳۸)

سومین خطبه رسول اکرم‌صلی الله علیه وآله پس از عید قربان(۳۹)

رسول گرامی‌صلی الله علیه وآله در مسجد خیف واقع در منطقه منی در خطبه‌ای فرمود: «نضّر اللَّه وجه عبد سمع مقالتی فوعاها وحفظها، ثمّ بلغها من لم‌یسمعها، فربّ حامل فقه غیر فقیه، وربّ حامل فقه إلی من هو أفقه منه. ثلاث لایغل علیهم قلب امرئ مسلم: إخلاص العمل للَّه، والنصیحة لأئمّة الحقّ، واللزوم لجماعة المؤمنین، فإن دعوتهم محیطة من ورآئهم ... ثمّ قال: لاترجعوا بعدی کفّاراً مضلّین یملک بعضکم رقاب بعض، إنّی قد خلفت فیکم ما إن تمسّکتم به لن تضلّوا: کتاب اللَّه وعترتی أهل بیتی. ألا هل بلغت؟ قالوا: نعم! قال: اللّهمّ اشهد. ثمّقال: إنّکم‌مسؤولون فلیبلغ‌الشاهد منکم‌الغائب؛(۴۰) فرخنده باد چهره آن‌که سخن مرا شنید و از او پاسداری کرد و به دیگران منتقل نمود. چه بسا راوی یک حدیث به عمق محتوای آن حدیث آگاهی چندانی ندارد، ولی آن حدیث را به کسانی منتقل می کند که دانشمندتر از او هستند. سه چیز است که قلب مؤمن را صفا می‌دهد و از هرگونه خیانت و دغل‌بازی پاک می گرداند: خالص کردن عمل برای خدا، نصیحت و خیرخواهی مشفقانه به زمامداران حق، ملازمت و حضور در اجتماع مؤمنان، زیرا وحدت و یک ندایی مسلمانان، ضامن حفظ جامعه آنان از دشمن و عامل موفقیت و پیروزی آنان است.(۴۱) آن‌گاه فرمود: پس‌از من، از دین خارج نشوید که دیگران را به گمراهی کشانده و خود را صاحب اختیار مردم بدانید و خون آنان را به ناحق بریزید. من در میان شما چیزی به یادگار می‌نهم که اگر به آن روی آورید، برای همیشه از گمراهی در امان خواهید بود و آن کتاب خدا و عترت و اهل بیت من می‌باشد. آن‌گاه فرمود: آیا مطلب را به خوبی رساندم؟ پاسخ دادند: آری! فرمود: خدایا! تو شاهد باش. پس از آن فرمود: نسبت به آن چه گفتم مسؤول هستید. و همه آنان که حضور دارند و سخن مرا شنیدند، موظّفند به دیگران که حضور ندارند برسانند.»

نکته‌ها و پیام‌های این خطبه

نکته‌ها و پیام‌های این خطبه

۱. آگاهی رسانی گسترده

از نکته‌های حساسی که رسول اکرم‌صلی الله علیه وآله در اغلب خطبه‌های حجّة الوداع به آن مصرّانه پرداخته است، موضوع آگاهی رسانی به عموم مردم است که حضرت می کوشید تا رسالت سنگین این سفر و اهداف بزرگ آن را به گوش مردم برساند.

۲. ارزش دادن به برداشت غایبان

جمله «وربّ حامل فقه إلی من هو أفقه منه» نشان می‌دهد که معنای بلند سخنان معصومان که از وحی سرچشمه می گیرد، منحصر به برداشت حاضران نیست؛ بلکه چه بسا افرادی که این سخنان به آنان منتقل می‌شود، برداشت‌های اساسی تری از سخنان معصومان‌علیهم السلام داشته باشند.

۳. حقوق متقابل رهبران جامعه و ملّت‌ها

جمله «والنصیحهٔ لأئمّهٔ الحقّ» اشاره به حقوق متقابل امام و مأموم (رهبر و ملت) دارد که حضرت امیرعلیه السلام نیز می‌فرماید: «حقّ الوالی علی الرعیّهٔ وحق الرعیهٔ علی الوالی فریضهٔ، فرضها اللّه سبحانه، لکلّ علی کلّ، فجعلها نظاماً لألفتهم وعزاً لدینهم.» (۴۲) حقوق رهبر در برابر ملت و هم‌چنین حقوق ملت در برابر رهبر، یک واجب الهی است که خداوند برای ایجاد الفت و یکپارچگی در نظام حکومتی و سرفرازی جامعه قرار داده است.

۴. جایگاه وحدت در تفکر اسلامی

و عبارت: «ولزوم الجماعهٔ» نشان دهنده این است که رمز پیروزی جامعه اسلامی، وحدت مؤمنان در برابر دشمن است، که رسول گرامی اسلام‌صلی الله علیه وآله می‌فرماید: مثل المؤمنین فی توادُدِهم وتعاطفهم وتراحمهم بمنزلهٔ الجسد إذا اشتکی منه شئ تداعی له سائر الجسد بالسهر والحمی؛(۴۳) همه مسلمانان جهان، اعضای یکدیگرند و به منزله یک جسدند که اگر عضوی از آن به درد آید، دیگر عضوها نیز متأثر خواهند شد. امیر مؤمنان‌علیه السلام می‌فرماید: وألزموا السواد الأعظم، فإنّ ید اللّه علی الجماعهٔ، وإیّاکم والفرقهٔ، فإنّ الشاذّ من الناس للشیطان، کما أنّ الشاذّ من الغنم للذئب؛(... ۴۴) ملازم جامعه اسلامی باشید؛ چون دست خدا همواره با جماعت است و از گروه گرایی بپرهیزید؛ زیرا گروه اندک، طعمه شیطان می‌شود همان گونه که گله اندک، نصیب گرگ می‌شود.

۵. نگرانی از آینده امت اسلامی

جمله «لا ترجعوا بعدی کفّاراً مضلّین یملک بعضکم رقاب بعض» اشاره به آینده امّت اسلامی دارد که چگونه پس از رحلت پیامبر اکرم‌صلی الله علیه وآله، زحمات بیست و سه ساله آن حضرت را نادیده گرفته، به همان آداب و رسوم دوران جاهلیت بازگشته و به بهانه‌های واهی کشتار مسلمانان را لازم شمردند. این سخن حضرت، خط صریح بطلان بر قتل مانعین زکات است که آنان را مرتد شمرده و حکم به کشتن آنان دادند. و یا زمینه جنگ جمل، صفین و نهروان و ... را فراهم ساختند.

۶. پیروی از کتاب و اهل بیت‌علیهم السلام ضامن امنیت جامعه

در بخش پایانی حدیث، پیامبر اکرم‌صلی الله علیه وآله، اهل بیت‌علیهم السلام را قرین قرآن نمود و ثابت کرد که بیمه شدن جامعه اسلامی از انحراف، منحصر به تبعیت از کتاب و اهل بیت‌علیهم السلام است. و با جدایی مردم از آنان، نه تنها زمینه انحراف جامعه اسلامی فراهم می‌شود، بلکه موجب فرو رفتن آنان در گرداب ضلالت و پیوستن به حزب شیطان خواهد بود. چنان که حضرت در سخنی دیگر نیز فرموده است: النجوم أمان لأهل الأرض من الغرق واهل بیتی امان لامتی من الاختلاف فإذا خالفتها قبیلهٔ من العرب اختلفوا فصاروا حزب ابلیس؛ همان گونه که چینش و گردش ستارگان در فضا برای امنیت کره زمین است، اهل بیت من نیز مایه امنیت مردم از اختلاف می‌باشند و چنان که ملتی با اهل بیت من مخالفت کنند، در واقع به حزب شیطان پیوسته‌اند. حاکم نیشابوری عالم بزرگ اهل سنت، پس از نقل حدیث می گوید: این روایت صحیح است.(۴۵) ابن حجر مکی می‌نویسد، از رسول اکرم‌صلی الله علیه وآله پرسیدند: ما بقاء الناس بعدهم (أی أهل البیت)؟ فقال: بقاء الحمار إذا کسر صلبه.(۴۶) موقعیت مردم پس از روی گردانی از اهل بیت را چگونه می‌بینید؟ فرمود: همانند الاغ کمر شکسته که نه توان راه رفتن دارد و نه قدرت بار بردن. علامه شرف الدین پس از نقل این مطلب از ابن حجر، می‌نویسد: ما از ابن حجر می‌پرسیم: اگر موقعیت اهل بیت‌علیهم السلام این چنین است پس چرا از آنان روی گردان شده‌اید؟(۴۷)

چهارمین خطبه رسول اکرم‌صلی الله علیه وآله در غدیر خم به نقل اهل سنت

روی‌الطبرانی بإسناده عن حذیفهٔ بن أسید الغفاری قال لمّا صدر رسول اللّه‌صلی الله علیه وآله من حجهٔ الوداع، نهی أصحابه عن شجرات بالبطحاء متقاربات أن ینزلوا تحتهنّ، ثمّ بعث إلیهن فقُمَّ ما تحتهنّ من الشوک وعمد إلیهنّ فصلّی تحتهنّ. حلبی در سیره خود از طبرانی [که هر دو از عالمان بزرگ اهل سنت به شمار می‌روند] از حذیفهٔ بن اُسید نقل کرده که رسول اکرم‌صلی الله علیه وآله پس از پایان مناسک حج، [روز چهاردهم ذی حجّه به سوی مدینه حرکت کرد و زمانی که به غدیر خم واقع در منطقه رابغ، سه مایلی جحفه که محل چهار راهی مدینه، مکه، مصر و شام بود، رسید]دستور داد که ساقه‌های درختانی را که مزاحم افراد بودند، ببرّند و زیر درختان را از خار و خاشاک پاک کنند. و آن‌گاه نماز ظهر را اقامه فرمود و سپس بر فراز منبری که از کوهان شتران فراهم آورده بودند قرار گرفت و این چنین خطبه خواند: یا أیّها الناس إنّی قد نبّأنِی اللطیف الخبیر أنَّه لم یُعمِّر نبیّ إلّا نصف عمر الذی یلیه من قبله، وإنّی لأظنّ أنّی یوشک أن أدعی فأجیب. وإنّی مسؤول وإنّکم مسؤولون فماذا أنتم قائلون؟ قالوا: نشهد أنّک قد بلغت وجاهدت ونصحت، فجزاک اللّه خیراً. ای مردم! خداوند مهربان و دانا مرا آگاه کرد که عمر هر پیامبری به اندازه نصف عمر پیامبر پیش از او است، احساس می‌کنم که پیک اجل در راه است و من به زودی دعوت حق را لبیک خواهم گفت. آن گاه فرمود: اگر از شما درباره من بپرسند چه پاسخی خواهید داد؟ گفتند: گواهی می‌دهیم که همه کوشش خود را در امر رسالت و خیر خواهی امت، به کار گرفتی و کوتاهی نکردی. ألیس تشهدون أن لا إله إلا الله وأنّ محمداً عبده ورسوله وأنّ جنَّته حقٌّ، ونارَه حقٌّ وأنّ الموت حق وأنّ البعث بعد الموت حق، وأنّ الساعهٔ آتیهٔ لا ریب فیها، وأنّ الله یبعث من فی القبور؟ قالوا: بلی! نشهد بذلک. قال: اللهمّ اشهد. آیا شما بر یگانگی حق و بندگی و رسالت محمدصلی الله علیه وآله و حق بودن بهشت، دوزخ، قیامت و برانگیختن مردگان از گورها برای حساب، گواهی نمی‌دهید؟ گفتند: بر تمام این سخنان گواهی می‌دهیم. حضرت فرمود: خدایا! تو بر این امر گواه باش. سپس فرمود: أیّها الناس إنّ الله مولای وأنا مولی المؤمنین، وأنا أولی بهم من أنفسهم، فمن کنت مولاه فهذا مولاه، یعنی علیّاً، اللهمّ وال من والاه، وعاد من عاداه؛ ای مردم! خداوند مولا و صاحب اختیار من و من نیز مولای مؤمنانم و نسبت به آنان از خودشان سزاوارترم. پس هر کس که من مولای اویم این علی مولای اوست. خدایا! دوست بدار هر کس که علی را دوست بدارد و دشمن بدار هر کس که او را دشمن بدارد. یا أیّها الناس، إنّی فَرَطُکم وإنّکم واردون علیّ الحوض، حوضٌ أعرض مابین بُصری وصَنعاء، فیه عدد النجوم قِدحان(۴۸) من فضهٔ. وإنی سائلکم حین تردون علیّ عن الثقلین، فانظروا کیف تخلّفونِی فیهما، الثقل الأکبر: کتاب اللّه عزّوجلّ سبب طرفه بید اللّه وطرفه بأیدکم فاستمسکوا به لا تضلوا ولا تبدّلوا، وعترتی، أهل بیتی؛ فإِنّه نبّأنی اللطیف الخبیر أنّهما لن ینقضیاً حتی یردا علیّ الحوض.(۴۹) ای مردم! فردای قیامت پیشاپیش شما حرکت خواهم کرد و همه شما بر حوض کوثر که پهنای آن همانند فاصله میان شهر بُصرای دمشق تا صنعای یمن است، وارد خواهید شد و در آن حوض به تعداد ستارگان آسمان، لیوان های نقره‌ای است. و در آن هنگام که به نزد من می‌آیید، از شما در باره دو یادگار گران‌بهای خود می‌پرسم که چگونه با آنها معامله کرده‌اید؟ یکی از آن دو یادگار ارزشمند، قرآن، کتاب الهی است که رابطه میان خداوند بزرگ و شماست، به رهنمودهای آن عمل کنید تا گمراه نشوید و هویت اسلامی خود را از دست ندهید. و دیگری، عترت و اهل بیت من است که خداوند مهربان و دانا مرا آگاه ساخت که کتاب خدا و اهل بیت من، تا روز واپسین از همدیگر جدا نمی‌شوند و در کنار حوض به من خواهند پیوست.

شگفتی‌های همایش عمومی غدیر

شگفتی‌های همایش عمومی غدیر

این همایش بزرگ و بی‌سابقه غدیر خم از جهات متعدد، قابل تأمّل، شگفت‌انگیز و منحصر به فرد است:

زمان همایش

آخرین سال، بلکه آخرین ماه‌های زندگی سراسر حماسه و افتخار پیامبرصلی الله علیه وآله و آخرین روزهای واپسین سفر حضرت (حجّهٔ الوداع) است، گرماگرم ظهر روز هیجدهم ذی حجه سال دهم هجری، زمانی که توقّف کاروانیان و گرد آمدن همگان در زیر تابش خورشید سوزان، حساسیت و کنجکاوی همه آنان را برانگیخته است.

مکان همایش

صحرایی گسترده و خشک، مقطع حساس از جغرافیای جزیرهٔ العرب، بر سر راه‌های مختلفی که قافله‌های حجّ گزاران بلاد مختلف را از یک‌دیگر جدا می‌سازد.

شرکت کنندگان در همایش

شرکت کنندگان در این همایش را بین ۹۰ تا ۱۲۴ هزار نفر از تمام طوایف و همه شهرهای تحت پوشش حکومت اسلامی تخمین زده‌اند. آنچه به اهمّیت این همایش ارزش ویژه بخشیده است، دعوت رسمی پیامبر گرامی‌صلی الله علیه وآله از همه قبیله‌ها و طائفه‌ها، از مهاجران و انصار و اهل بیت و همسران حضرت، و ... در این مراسم است، تا حساس‌ترین سخنان حضرت را در آخرین لحظات زندگی گوش فرا دهند و زیباترین حماسه دوران پایانی رسالت را ببینند، راه هر گونه عذر و بهانه بسته شود و حجت بر آنان و آیندگان تمام شود.

وضعیت روحی پیامبرصلی الله علیه وآله

هراسی بی‌سابقه سراپای وجود نازنین پیامبرصلی الله علیه وآله را فراگرفته بود، نه برای مصلحت شخصی ویا خطر جانی، بلکه برای مصالح جامعه اسلامی و خطر اساسی در بنیاد رهبری حکومت نوپای اسلام و اندیشه از توطئه‌های منافقانی است که از تهمت زدن به او و ضربه‌زدن به باورهای نه چندان عمیق مردم، کوچک‌ترین ابایی ندارند(۵۰). همان گونه که ابن عباس و جابر نقل کرده اند: أمر اللّه تعالی محمّداًصلی الله علیه وآله أن ینصب علیّاً للناس، فیخبرهم بولایته، فتخوّف النبی‌صلی الله علیه وآله أن یقولوا: حابی ابن عمّه، وأن یطعنوا فی ذلک فأوحی اللّه: «یا أَیُّها الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنزِلَ إِلَیْکَ ». ... خداوند به رسول اکرم‌صلی الله علیه وآله دستور داد که علی را به جانشینی برگزین و ولایت او را به همه ابلاغ کن؛ ولی آن حضرت از آنان که هنوز ایمان در جان و روح آنان نفوذ نکرده و هوای ریاست از سر آنان خارج نشده، وحشت داشت که مبادا به وی طعنه زنند که گزینش علی به جانشینی، بر مبنای روابط بوده، نه ضوابط، و به خاطر فامیلی بود نه شایستگی. از همین رو بود که پیک وحی، وعده خداوندی را ابلاغ فرمود: «وَاللَّهُ یَعْصِمُکَ مِنَ النّاسِ» (۵۱) خداوند تو را از شرّ مردم در امان می‌دارد.

اهمیّت پیام

برای کسی که به عنوان آخرین پیامبر الهی، کامل‌ترین جامعه توحیدی را پی‌ریزی کرده و اینک در رأس استثنایی ترین حکومت، بر پایه وحی، قرار دارد و نیز آخرین لحظات زندگی خویش را می گذراند، مهم‌ترین پیام خود را در تعیین جانشین و روشن ساختن وضعیت آینده آنان بیان می کند. اهمیت این پیام به اندازه‌ای است که می‌تواند با تمام پیام‌های دوران رسالت پیغمبرصلی الله علیه

وآله برابری کند. و آن چنان است که اگر ابلاغ نشود، گویا رسالت الهی ابلاغ نشده است.(۵۲)

نکته‌ها و پیام‌های خطبه غدیر

۱. گرد آوری تمام حاجیان برای این بود که همه آنان سخنان حضرت را بشنوند و حجّت بر آنان تمام شود و نیز، هیچ‌گونه بهانه و راه گریزی نداشته باشند. ۲. با جمله «وإنّی لأظنّ أنی یوشک أن أدعی فأجیب» حضرت به دو نکته مهم پرداخت: نخست این که روزهای پایانی عمر شریف خود را می‌گذراند و دیگر این که این سخنان من از اهمیت شایانی برخوردار است. گفتنی است که انسان‌ها سفارش‌های خویش را در آخر عمر می‌نویسند و مطالب حساس را در لحظه‌های پایانی عمر، بیان می‌کنند. ۳. با عبارت «وإنّی مسؤول» ثابت کرد سخنانی که گفته می‌شود، عادی نیست؛ بلکه لازم و ضروری بوده و در برابر گفته‌های خود مسئول است. ۴. با جمله «وإنّکم مسؤولون» اعلام کرد که شما نیز در برابر این گفته‌ها مسئولید و در صورت کوتاهی، باز خواست خواهید شد. ۵. پس از گرفتن اعتراف از مردم «نشهد أنّک قد بلغت وجاهدت» و گواهی دادن آنان مبنی بر حسن انجام رسالت، حجّت را بر همگان تمام کرد و راه هرگونه عذر را بر روی همه بست. ۶. هم چنین از مردم در باره توحید، رسالت و معاد گواهی گرفت و آنان اعتراف کردند که رسول اکرم‌صلی الله علیه وآله بر مردمان از خودشان سزاوارتر است: «النَّبِیُّ أَوْلَی بِالْمُؤْمِنِینَ مِنْ أَنفُسِهِمْ» (۵۳) ۷. به دنبال اعلام ولایت حضرت علی‌علیه السلام ثابت فرمود که ولایت علی‌علیه السلام همسان توحید و معاد است و امامت او، استمرار رسالت رسول گرامی‌صلی الله علیه وآله و ولایت علی‌علیه السلام بر مردم همانند ولایت خود آن حضرت‌صلی الله علیه وآله بر ایشان است. ۸. با دعا بر کسانی که به یاری علی‌علیه السلام برخیزند و نفرین بر آنان که با وی دشمنی کنند، از سویی ثابت کرد که وظیفه ملّت، پیروی بی چون و چرا از دستورهای علی‌علیه السلام است و کسی نباید با هیچ بهانه‌ای به مخالفت بر خیزد. ۹. هم چنین به برنامه کسانی که پس از حضرت به بهانه‌های واهی، عَلَم مخالفت با حضرت را برافراشته، جنگ‌های جمل، صفین و نهروان و، ... راه انداختند و خون هزاران مسلمان بی گناه را بر زمین ریختند؛ خط بطلان کشید. ۱۰. از سوی دیگر اعلام کرد که یک رهبر نمونه، هر چند هم در کارهای حکومتی توانمند باشد، اگر محبوبیت مردمی نداشته باشد، پیروز عرصه سیاسی نخواهد بود و با این دعا و نفرین، زمینه محبوبیت علی‌علیه السلام را در قلوب مردم فراهم ساخت. ۱۱. اشاره حضرت به قضیه حوض، داستان بلندی دارد که با توجه به روایات بسیاری، از ورود تعداد زیادی از صحابه حضرت به حوض جلوگیری می‌شود با این که حضرت به دفاع از آنان برخاسته و می‌فرماید: اینها اصحاب من هستند، اینها را کجا می‌برید؟ پاسخ می‌آید: «إلی النار واللّه!» همه آنان را به سوی آتش دوزخ روانه می‌کنیم. حضرت می‌فرماید: «ما شأنهم؟» مگر آنان چه کرده‌اند که در خور آتش دوزخ شده‌اند؟ پاسخ می‌دهند: «إنّهم ارتدّوا بعدک علی أدبارهم القهقری، فلا أراه یَخْلُص منهم إلّا مثلَ هَمَل النَّعَم.(۵۴) این‌ها پس از تو، از مسیر اصلی دینداری خارج شدند و به همان آداب و رسوم دوران پیش از اسلام برگشتند. ۱۲. سر انجام حضرت با تأکید فراوان در باره قضیه ثقلین و قرین بودن اهل بیت با قرآن، موارد زیر را ثابت کرد: الف. عصمت اهل بیت‌علیهم السلام. ب. هم دوشی آنان در جامعه اسلامی با قرآن. ج. حضور جاودانه آنان در جامعه، همانند جاودانگی قرآن. د. ایمن بودن امت اسلامی از گمراهی در سایه بهره‌گیری از قرآن و اهل‌بیت‌علیهم السلام. ه. مسئولیت سنگین مردم در برابر قرآن و اهل بیت‌علیهم السلام.

وظیفه ما در برابر غدیر

پیامبر گرامی‌صلی الله علیه وآله در خطبه غدیر، پس از بیان سخنان حساس و ضروری و گزینش علی‌علیه السلام برای جانشینی خود، فرمود: «فلیبلّغ الشاهد منکم الغائب»؛ آنان که حضور دارند، موظفند سخن مرا به گوش آنان که نیستند، برسانند. این سخن نشان می‌دهد که ولایت علی‌علیه السلام اهمیّت ویژه‌ای دارد و پیام غدیر فراتر از این است که تنها افرادی را دربرگیرد که در آن

همایش بی‌نظیر (غدیر) شرکت داشته‌اند، بلکه این پیام باید مرز زمان را درنوردد و از انحصار مکان به درآید و در تمام عصرها برای همه نسل‌ها، طنین‌انداز شود و حتی جامعه‌های کوچک انسانی را که در گوشه و کنار جهان تشکل می‌یابند، فرا گیرد. از همین روست که وقتی حضرت سلیمان‌علیه السلام سخن از رسول اکرم، خاتم پیامبران صلی الله علیه وآله به میان می‌آورد، می‌فرماید که حاضران سخن مرا به گوش غایبان برسانند؛ همان گونه که ثعلبی در تفسیر آیه شریفه «فقال مالی لا اری الهدهد» نقل کرده که حضرت سلیمان پس از پایان دادن به بنای بیت المقدس، همراه هیئت دولت و یاران خویش در کنار کعبه حضور یافت و طی سخنرانی در جمع اشراف و بزرگان گفت: إنّ هذا مکان یخرج منه نبیّ عربیّ، صفته کذا وکذا ... فطوبی لمن أدرکه وآمن به وصدّقه؛ در این پایگاه مقدس، پیامبرِ عرب زبانی با ویژگی‌هایی برانگیخته خواهد شد، خوشا به حال آنان که او را درک کرده و به او ایمان بیاورند. آن‌گاه در ادامه افزود ...: فلیبلّغ الشاهد منکم الغائب، فإنّه سید الأنبیاء وخاتم الرسل، وإن اسمه لمثبت فی زبر الأنبیاء»؛(۵۵) این سخن مرا حاضران به غایبان برسانند، او سید و آقای پیامبران است و با بعثت او پرونده نبوت، پایان می‌پذیرد و نام او در کتاب آسمانی همه پیامبران آمده است. همچنین پیامبر اکرم‌صلی الله علیه وآله در ماجرای فتح مکه، سخن از اطلاع رسانی مردم حاضر در صحنه، در خصوص غیر حاضران تأکید می‌کند؛ که به نقل امام صادق‌علیه السلام رسول گرامی‌صلی الله علیه وآله روز یازدهم ذی حجه در سخنرانی خود در مسجد خیف - پس از بیان سخنان حساس و ضروری نسبت به حقوق متقابل رهبران جامعه و ملّت‌ها و جایگاه وحدت در تفکر اسلامی - فرمود: یا أیّها الناس لیبلغ الشاهد الغائب، فربّ حامل فقه لیس بفقیه، وربّ حامل فقه إلی من هو أفقه منه.(۵۶) حاضران سخن مرا به گوش غایبان برسانند، چه بسا شنونده یک حکم فقهی، دانشمندتر از گوینده آن باشد. یعقوبی عالم بزرگ اهل سنت، نقل می‌کند که حضرت فرمود: نضرّ اللّه وجه عبد سمع مقالتی فوعاها وحفظها ثمّ بَلَغها من لم یسمعها.(۵۷) فرخنده باد چهره آن کس که سخن مرا شنید و از آن پاسداری کرد و به دیگران منتقل نمود. چه بسا شنونده یک سخن بیش از گوینده آن، به ژرفای محتوای آن آگاه باشد. همانند این قضیه از زبان سلمان فارسی نقل شده که می‌گوید: روزی قریش در باره خاندان رسول اکرم‌صلی الله علیه وآله بدگویی کردند و این سخن به گوش رسول گرامی‌صلی الله علیه وآله رسید و قلب نازنینش اندوهگین شد و حضرت خشمگین، به غضب آمده و بر فراز منبر رفت و پس به جای آوردن ثنای الهی فرمود: ألا ـ ونحن بنو عبد المطلب سادهٔ أهل الجنهٔ ... ألا ـ وإن اللّه نظر إلی أهل الأرض نظرهٔ فاختار منها رجلین: أحدهما أنا فبعثنی رسولاً والآخر علی بن أبی طالب، وأوحی إلیّ أن أتّخذه أخاً وخلیلاً ووزیراً ووصیّاً وخلیفهٔ، ألا وإنّه ولیّ کلّ مؤمن بعدی، من والاه والاه اللّه، ومن عاداه عاداه اللّه، لا یحبه إلا مؤمن، ولا یبغضه إلا کافر ... ألا وإنّ اللّه نظر نظرهٔ ثانیهٔ فاختار بعدنا اثنی عشر وصیّاً من أهل بیتی، فجعلهم خیار أمتی واحداً بعد واحد مثل النجوم فی السماء، کلّما غاب نجم طلع نجم، هم أئمّهٔ، هداهٔ، مهتدون، لا یضرهم کید من کادهم ولا خذلان من خذلهم، هم حجج اللّه فی أرضه، وشهداؤه علی خلقه، خزان علمه وتراجمهٔ وحیه، ومعادن حکمته، من أطاعهم أطاع اللّه، ومن عصاهم عصی اللّه، هم مع القرآن والقرآن معهم، لا یفارقونه حتی یردوا علی الحوض؛ ما نسل عبدالمطلب از سادات و بزرگان اهل بهشت هستیم، خداوند به اهل زمین نظری افکند و دو نفر را برگزید، یکی من که به پیامبری برگزیده شدم و دیگری علی بن ابی طالب؛ به من وحی فرمود که علی را برادر، دوست، وزیر و جانشین خویش قرار دهم. همانا او پس از من، ولی و سرپرست همه مؤمنان است. هر کس علی را دوست بدارد، خدا او را دوست می‌دارد و هر کس با علی دشمنی ورزد، خدا او را دشمن می‌دارد، محبت او نشانه ایمان و کینه او، علامت کفر است ... خداوند مرتبه دیگر به زمین نظر افکند و از اهل بیت من دوازده جانشین قرار داد و آنان بهترین امّت منند، آنان یکی پس از دیگری امامت را بر عهده خواهند گرفت همانند ستارگان آسمان که هرگاه ستاره‌ای ناپیدا شود، ستاره دیگری آشکار خواهد شد. آنان پیشوایان هدایت شده و هدایتگر امت اسلامی اند. کوشش توطئه گران به آنان زیان نمی‌رساند و تلاش مذبوحانه فرومایگان، آنان را شکست نخواهد داد ... پیروی آنان همسان اطاعت از خداوند است و سرپیچی از دستور آنان مانند سرکشی از دستور خداوند است. آنان همواره دوشادوش قرآن

هستند و این دو از یک‌دیگر جدا نمی‌شوند تا در کنار حوض کوثر بر من حاضر شوند. در پایان حضرت فرمود: «فلیبلغ الشاهد الغائب، اللهمّ اشهد، اللهمّ اشهد، ثلاث مرّات»؛(۵۸) این سخن مرا حاضران به غایبان برسانند، آن‌گاه سه بار فرمود: خدایا! تو گواه باش که من حق مطلب را ادا کردم. و مانند این داستان از زبان امام کاظم‌علیه السلام نقل شده که فرمود: رسول گرامی‌صلی الله علیه وآله مهاجران را گرد آورد و به آنان فرمود: «أیّها الناس إنّی قد دُعیت، وإنی مجیب دعوهٔ الداعی، قد اشتقت إلی لقاء ربّی واللحوق بإخوانی من الأنبیاء وإنّی أعلمکم أنّی قد أوصیت إلی وصیی، ولم أهملکم إهمال البهائم، ولم أترک من أمورکم شیئاً ... أیها الناس اسمعوا وصیتی، من آمن بی وصدقنی بالنبوهٔ وأنی رسول اللّه فأوصیه بولایهٔ علی بن أبی طالب وطاعته و التصدیق له، فإن ولایته ولایتی، وولایهٔ ربی، قد أبلغتکم فلیبلغ الشاهد الغائب ... إلی أن قال: فهل سمعتم؟ قالوا: نعم!(۵۹) ای مردم! در آینده نه چندان دور دعوت حق را لبیک گفته و با علاقه فراوان به ملاقات پروردگار و دیدار پیامبران خواهم شتافت. من در باره تعیین جانشین پس از خود، کوتاهی نورزیدم و سهل انگاری نکردم ... ای مردم! توصیه‌های مرا به گوش جان بسپارید، هر کس که به من ایمان آورده و نبوت مرا پذیرفته، باید ولایت علی بن ابی طالب را بپذیرد و از او پیروی کرده و گفته‌هایش را بپذیرد؛ زیرا ولایت او مانند ولایت من و ولایت پروردگار متعال است. مردم! من مطلب را به شما ابلاغ کردم و وظیفه حاضران است که به گوش غایبان نیز برسانند. در پایان فرمود: آیا سخن مرا به دقت شنیدید؟ همگی پاسخ دادند: آری! با توجه به همین اطلاع رسانی در جهت اتمام حجت به همه حاضران و غایبان و نیز بستن راه هر گونه عذر و فرار از مسؤولیت‌ها است که حضرت امیرعلیه السلام به سخن رسول اکرم‌صلی الله علیه وآله اشاره نموده و به هنگام رفتن به سوی جنگ صفین، ضمن بیان خطبه‌ای به واقعه غدیر اشاره کرده و می‌فرماید: «أما تعلمون أنّ بیعتی تلزم الشاهد عنکم والغائب؟» آیا نمی‌دانید که بیعت من بر همه حاضران و نیز غایبان در غدیر، لازم گشته است؟ جالب این‌جاست که امام باقرعلیه السلام ضمن اشاره به نشانه‌های ظهور حضرت ولی عصر - ارواحنا فداه - می‌فرماید: آن حضرت پس از ظهور، به کعبه تکیه کرده و می‌فرماید: «فأنا بقیّهٔ من آدم، وذخیرهٔ من نوح و مصطفی من إبراهیم وصفوهٔ من محمدصلی الله علیه وآله ألا ـ فمن حاجّنی فی کتاب اللّه فأنا أولی الناس بکتاب اللّه، ألا فمن حاجّنی فی سنّهٔ رسول اللّه‌صلی الله علیه وآله فأنا أولی الناس بسنّهٔ رسول اللّه فأنْشُدُ اللّه من سمع کلامی الیوم، لمّا بلغ الشاهد منکم الغائب» (۶۰). من یادگار حضرت آدم و ذخیره حضرت نوح و گزیده حضرت ابراهیم و چکیده‌ای از محمدصلی الله علیه وآله هستم، کدامین شخص در فهم کتاب خدا با من دشمنی می‌ورزد و حال آن‌که من آگاه‌ترین افراد به کتاب خدا هستم و چه کسی در بیان سنت پیامبرصلی الله علیه وآله با من ستیز می‌کند که من آشناترین فرد به سنت پیامبر هستم. همه کسانی را که امروز در این جمع سخن مرا شنیدند، به خدا سوگند می‌دهم که این سخنان را به گوش آنان که غایبند برسانند. و این است رمز جاودانگی غدیر، که تا زمان جاری است وظیفه سنگین رساندن پیام ولایت علی بن ابی طالب‌علیه السلام بر دوش ماست، تا خبر این انتخاب الهی را به گوش آیندگان برسانیم و خود از پیروان راستین پیامبر اکرم‌صلی الله علیه وآله و علی بن ابی طالب‌علیه السلام و فرزندان پاک آنان باشیم و نسلی این گونه بپرورانیم.

مقاله حجّت الاسلام و المسلمین فاضل هرندی

مقاله حجّت الاسلام و المسلمین فاضل هرندی

حضرت مسیح در کلام امیرالمؤمنین‌علیه السلام

انسان‌ها برای رسیدن به فضایل و عروج به کمالات هستی، احتیاج به الگو و نماد دارند. از این رو در اینجا سخن از الگوهاست، زیرا انسان هیچ‌گاه به دنبال نماد سازی نبوده بلکه در پی نماد یابی است. ابتدا از نمادی محسوس شروع می‌نماید، فرد و جامعه، در زمان او حضرت محمدصلی الله علیه وآله وسلم را دیده بود و از فضایل و کمالاتش بی اطلاع نبوده ... سخن را از او آغاز می‌نماید و

خطاب به انسان‌ها می‌گوید: «برای تو در زندگی حضرت محمّدصلی الله علیه وآله وسلم رمز های زیادی وجود دارد که تنها درک آنان برای عشق به فضیلت و خوبی‌ها کافی است. او در دنیا زیست امّا هیچ‌گاه اسیر دنیا نگردید، او از دنیا و تمام جاذبه هایش دوری می‌نمود و اگر در اسارت دنیا و لذت هایش سودی بود بهره‌ای از دنیا نمی‌برد.او از کودکی آن زمان که همه اسیر زرق و برق های دنیا هستند از دنیا برید و غرق در فضایل و کمالات گردید و بدین شیوه در تمام زندگی‌اش عمل نمود، خداوند نیز برای بندگان مقربش چنین تقدیر نموده بود که در بند دنیا گرفتار نشوند و دنیا با تمام فریبندگی هایش ارزانی غیر باد، دوست برای آن‌ها و دنیا با تمام فریب هایش برای دیگران و تو ای انسان آیا می‌توانی الگویی برتر از پیامبر پیدا نمایی؟! او دامنه سخن را گسترش می‌دهد و به جایی دست می‌نهد که از حیطه فکر انسان خارج است. ای سخن‌گوی بزرگ تو از کدام دیار آمده‌ای؟! که این چنین از گذشته‌های دور تاریخ و از جوامع بشری سخن می‌گویی، تو به چه دوره‌ای تعلق داری که در خاطره ات داستان رنج و عذاب، امید و یأس، خوبی‌ها و بدی‌ها، آبادی و خرابی جهان، جمع شده است. تو در کجا زندگی کرده‌ای، جایی که خارج از زمان و مکان بوده، که این چنین بشریت را در خط سیر تاریخی‌اش تعقیب کرده و بدین وضوح از تاریخش سخن می‌گویی، تو در مکه به دنیا آمده‌ای و خانه دومت در مدینه بود و سپس مقدراتت به کوفه و بصره سوق داده و در مسجد کوفه به ابدیت پیوستی و در خاک نجف مزار مقدست برپاست. ولی آن جا که از پیامبران خدا سخن می‌گویی، گویی که با آن‌ها زندگی کرده‌ای و چهره‌ای را که از آنان ترسیم می‌نمایی حتی نزدیک‌ترین اصحاب و حواریون شان نمی‌توانند ترسیم کنند. ما می‌دانیم که در حجاز اثری از پیامبران گذشته نبود. داوود،موسی و عیسی حتی در اساطیر شان وجود نداشتند.اما تو ای مرد بزرگ تاریخ! از همه آنان سخن گفتی و چه زیبا چهره‌ای از آنان ترسیم نمودی ... چهره‌ای شایسته پیامبران بزرگ در حیاتی هدفمند، چهره‌ای باقی و انباشته از درد و رنج و امید، چهره هایی که هدفشان تغییر واقعیت‌های اجتماعی و سوق انسان‌ها به سوی مدینه فاضله خدا بود.مدینه‌ای که همه پیامبران در انتظار تشکیل آن روزشماری می‌نمودند؛ از آدم گرفته تا نوح، سپس موسی و عیسی و محمدعلیهم السلام و آن‌گاه تو و فرزندان برومندت شاهدان و شهیدان تاریخ در این مسیر قرار گرفتید و با تمام توان خداوند گونه‌ات سعی کردی به آرمان آن انسان‌های بزرگ جامه عمل بپوشانی و عاقبت این پیروزی بزرگ به دست حضرت مسیح و فرزند برومندت مهدی‌علیه السلام که او نیز از نسل دو پیامبر بزرگ خدا، از نسل محمد (ص) و سلاله حضرت مسیح می‌باشد و در وجود بزرگ او دو دین بزرگ الهی تجدّد یافته، تحقق خواهد یافت. تو ای انسان پیامبر گونه ... در آن زمان که می‌خواستی از رسول خدا سخن بگویی، سخنی که انسان‌های زمانت از درک آن عاجز بودند، برای نزدیکی تصویرش به ذهن از زندگانی حضرت موسی مدد جستی ... و درباره حضرت موسی فرمودی ...: « و ان شئت ثنیت بموسی کلیم اللّه حیث یقول: «رَبِّ إِنِّی لِما أَنزَلْتَ إِلَیَّ مِنْ خَیْرٍ فَقِیرٌ» (۶۱). واللّه، ماسأله ألا خیزا یأکله، لأنه کان بأکل بقلهٔ الأرض، ولقد کانت خضرهٔ البقل‌تری من شفیف صفاق بطئه، لهزاله تشذب لحمه »؛ «...

...و اگر بخواهی برای تو از زندگانی حضرت موسی سخن می‌گویم: که او نیز شاهد مدعای من است، آن‌گاه که عرض کرد: خداوندا! بنده ات بر آن خبری که برایش فرستاده‌ای نیازمند است. او از خدا جز قطعه نانی برای ادامه حیات چیزی طلب نکرده بود، زیرا آن حضرت به گیاهانی که از خاک زمین می‌روییدند بسنده می‌کرد، تا آن جا که رنگ سبز آنان به سبب نازکی و لطافت بدنش، از زیر پوستش قابل رؤیت بود » ... سپس برای تقرب مطلب به ذهن شنونده از داود، دیگر پیامبر خدا استمداد نمود و گفت: ...« و ان شئت ثلثت بداود صاحب المزامیر وقاری اهل الجنهٔ فلقد کان یعمل سفائف الخوص بیده و یقول لجلسائه ایّکم یکفینی بیعها و یأکل قرص الشعیر من ثمنها ». ... ای سخن گوی بزرگ! تو از کجا می‌دانستی که شگفتی بزرگ داوود مزامیر بود، مگر تو با داوود زندگی کردی؟و آن‌گاه در اوج شگفتی از دنیای مادی برون شده و به سوی بهشت خدا پرواز می‌نمایی و با قاطعیت تمام قاطعیتی پیامبر گونه از خصوصیت بزرگ او در آن جا سخن می‌گویی و او را قاری بهشتیان می‌دانی ... شگفتا فاصله بین لاهوت و ناسوت در سخنان تو تنها یک قدم است، تو از اعماق تاریخ، ناگهان به بهشت خدا عروج می‌نمایی و از بهشت سخن می‌گویی...

ای علی، از داود سخن بگو که تنها سخن حق را می‌توان از زبان حق گونه‌ات شنید. «ای شنونده، اگر بخواهی برای تو از داوود سخن می گویم: او با دست خود از سقف و برگ‌های درخت خرما زنبیل می‌بافت و سپس از یارانش می‌خواست که آن‌ها را به فروش برسانند و از درآمد آن تنها برای ادامه زندگی نان جوین می‌خرید و تناول می کرد. او پادشاه، سرور و پیامبر بنی اسرائیل بود و با این که همه چیز در دسترس او قرار داشت، ولی مانند سایر پیامبران خدا تحت تأثیر لذت‌های زندگی قرار نمی گرفته و در اوج بی نیازی به کمترین ها قناعت می‌نمودند و در شدت حاجت در قله استغنا قرار داشتند.» سپس تو ای انسان بزرگ سخن را به عیسی پیامبر بزرگ خدا کشاندی و چهره‌ای از او تصویر نمودی که حتی حواریون نتوانستند به این زیبایی ترسیم کنند، مگر تو همنشین عیسی بودی و در سفر و حضر در کنارش قرار داشتی؟ از کجا می‌دانستی که او شب و روز، و خواب و خوراکش را چگونه می گذراند؟ ای یار! راز کلامت و ابدیت سخنانت، پرده‌های پندار انسان‌ها را می‌درد و در اعماق گذشته و آینده نفوذ می‌نماید و از اوج مجردات ناظر همه چیز می‌باشد. تو از عیسی مسیح این گونه سخن گفتی ...: « و ان شئت قلت فی عیسی بن مریم‌علیه السلام فلقد کان یتوسد الحجر و یلبس الخشن و یأکل الجشب و کان ادامه الجوع و سراجه باللیل القمر و ظلاله فی الشتاء مشارق الارض و مغاربها، فاکهته و ریحانه ماتنبت الارض للبهائم و لم تکن له زوجهٔ تفتنه و لا ولد یحزنه و لا مال یلفته و لا طمع یذله، دابته رجلاه و خادمه یداه » (... ۶۲) شگفتا اکنون که نوبت به عیسی رسید سخن به درازا کشید تو از عیسی‌علیه السلام مانند پیامبران گذشته به اجمال سخن نگفتی، تفصیل تو چه زیبا و اسرارآمیز هم چون عیسی زیبا و اسرارآمیز است، تصویری که از او ترسیم کردی زیباتر از تصویر را نائیل ... بود آنها تصویر او را در کلیساها ترسیم نمودند و تو از او تصویری در تاریخ باقی گذاشتی که همگان را به حیرت و اعجاب افکنده است .... « و اگر ای شنونده بخواهی با تو از عیسی سخن می گویم: او در شبانگاه و آن زمانی که از عبادت مادی به عبادت معنوی پناه می‌برد و سر بر روی سنگ می گذاشت و دیده می‌بست تا در سکوت شب و قطع رابطه با همه چیز با خدای خود به راز و نیاز بپردازد،لباس‌های او برخلاف لباس دیگران از تارهای خشن بافته شده بود و از غذاهای لذیذ استفاده نمی‌نمود و تنها خورشت او گرسنگی اش بود، چون اگر گرسنگی نبود آن غذاها غیر قابل خوردن بود. چراغ او در شب، ماه بود و پناهگاهش در زمستان، شرق و غرب زمین بود. میوه‌اش سبزی ای بود که در دل خاک می‌رویید، او همانند بقیه مخلوقات خدا از روییدنی‌های زمین استفاده می‌نمود. او همسری نداشت که دل در گرو او بسپارد و فرزندانی نداشت که اندوهگین سازند، او مالی نداشت که وی را مشغولش دارد و به هیچ چیز دل نمی‌بست و طمع نمی‌نمود که به ذلت کشیده شود. تنها مرکب سواری او پاهایش بودند و تنها خدمتکار او دستانش » ... ای علی بزرگ نمی‌دانم آیا چهره‌ای که ترسیم کردی چهره مسیح بود یا چهره خداگونه تو، آیا مسیح در وجود تو حیات دوباره یافته بود؟ مگر تو بستری جز خاک داشتی؟ آشنایی تو با خاک به آن جا کشید که پسر عمویت پیامبر خدا، پدر و دوست خاک خواند.در شب‌های تار تو، شمعی جز ماه وجود نداشت و در آن زمان که اشک‌های تو بر گونه‌ات می‌غلطید و صدای گریه ات در صحرای حجاز و عراق می‌پیچید شنونده ای جز ریگ روان وجود نداشت.خوراک تو چه بود؟ قطعه نان خشکی که هیچ کس جز تو نمی‌توانست آن را تناول کند، تو طعم خشک نان را تنها با نمکی میشکستی.پیراهنت چه بود؟بافته ای خشن که حتی بردگان از پوشیدنش سر باز می‌زدند، آیا مرکبی جز پاهایت در غیر میدان جنگ داشتی؟ کمیل تو و دعاهای صبح گاهانت، زمزمه‌های عیسی را به یاد صالحین و پاکان می‌انداخت.تو شهید انسانیت شدی همان گونه که یهودیان از هرگونه شکنجه و آزار در باره عیسی‌علیه السلام شهید زنده، دریغ نکردند. پس اگر چهره عیسی را در تو متجلی ببینیم راه دوری نرفته ایم و تو اگر چهره حقیقی عیسی‌علیه السلام را به تصویر بکشی کاری در خور خود انجام داده‌ای، زیرا هیچ کس جز مسیح اسلام قدرت ترسیم چهره عیسی مسیح‌علیه السلام را ندارد ... حجّت الاسلام والمسلمین فاضل هرندی

پی نوشت ها

۱) سوره مائده / آيه ۵۵. ۲) سوره مائده / آيه ۶۷. ۳) صوت العدالة الإنسانية ج ۱ ص ۴۹. ۴) شرح نهج البلاغه: ج ۱۲ ص ۸۶. ۵) على و حقوق بشر: ج ۱ ص ۳۶. ۶) على و حقوق بشر: ج ۱ ص ۵۳. ۷) سوره رعد / آيه ۷. ۸) الدرّ المنثور: ج ۴ ص ۴۵. ۹) مستدرك: ج ۱ ص ۳۸۶؛ الدرّ المنثور: ج ۴ ص ۴۵؛ تفسير طبرى: ج ۱۳ ص ۱۴۲. ۱۰) روح المعانى: ج ۱ ص ۲۲۰. ۱۱) وقد يقال: خرج معه تسعون ألفاً. ويقال: مائة ألف وأربعة عشر ألفاً. وقيل: مائة ألف وعشرون ألفاً. وقيل: مائة ألف وأربعة وعشرون ألفاً. ويقال: أكثر من ذلك، وهذه عدّة من خرج معه وأمّا الذين حجّوا معه فأكثر من ذلك، كالمقيمين بمكّة والّذين أتوا من اليمن مع‌علىّ أميرالمؤمنين وأبى‌موسى. (الغدير: ج۱ ص۹، به نقل از: سيره حلبيه: ج ۳ ص ۲۸۳، و ج ۲ ص ۲۵۷). و نيز سيره احمد زينى دحلان: ج ۳ ص ۳، و ج ۲ ص ۱۴۳۱. و نيز دائرة المعارف فريد وجدى: ج ۳ ص ۵۴۲. ۱۲) دلائل الإمامة طبرى: ص ۱۲۲؛ موسوعة أحاديث أهل البيت: ج ۸ ص ۴۴۵. ۱۳) خصال شيخ صدوق: ص ۱۷۳ ح ۲۲۸؛ بحار الأنوار: ج ۳۰ ص ۱۲۴. ۱۴) أسنى المطالب فى مناقب علىّ بن أبى‌طالب، ابن جزرى: ص ۳۳ ح ۵؛ الغدير: ج۱ ص۱۹۷ به نقل از ضوء اللامع، سخاوى: ج۹ ص ۲۵۶ ش۸۰۶ و بدر الطالع، شوكانى: ج۲ ص ۲۹۷ ش۵۱۳. ۱۵) تاريخ مدينة دمشق: ج ۴۲ ص ۳۹۲؛ رياض النضرة: ج ۳ ص ۱۳۸؛ ذخائر العقبى: ص ۷۱؛ مناقب خوارزمى: ص ۴۲ و ۸۵. ۱۶) طبقات الكبرى، ابن سعد: ج ۱ ص ۳۷؛ تاريخ طبرى: ج ۱ ص ۱۰۲؛ تاريخ مدينة دمشق: ج ۲۳ ص ۲۷۱؛ البداية والنهاية: ج ۱ ص ۱۰۹. ۱۷) المعجم الكبير، طبرانى: ج ۶ ص ۲۲۱. ۱۸) مروج الذهب: ج۱ ص۳۴۳؛ جهت اطلاع بيشتر از جانشينان پيامبران به كتاب إثبات الوصيّه مسعودى مراجعه شود. ۱۹) سوره انعام / آيه ۹۰. ۲۰) لأنّ النبىّ استخلف فى كلّ غزاة غزاها، رجلاً من أصحابه. تفسير قرطبى: ج ۱ ص ۲۶۸. ۲۱) عون المعبود، عظيم‌آبادى: ج ۸ ص ۱۰۶؛ كنز العمّال: ج ۸ ص ۲۶۸؛ طبقات الكبرى، ابن سعد: ج ۴ ص ۲۰۹؛ الإصابة: ج ۴ ص ۴۹۵؛ و مغنى ابن قدامة: ج ۲ ص ۳۰. ۲۲) تنبيه و إشراف، مسعودى: ص ۲۱۱، ۲۱۳ – ۲۱۸، ۲۲۱، ۲۲۵، ۲۲۸، ۲۳۱ و ۲۳۵؛ تاريخ خليفه، ابن خيّاط: ص ۶۰. ۲۳) روى ابن إسحاق بإسناده عن عائشة زوج النبى‌صلى الله عليه وآله، قالت: خرج رسول‌اللّه إلى الحجّ لخمس‌ليالٍ بقين من ذى‌القعدة، استعمل على المدينة أبادُجانة. قال ابن هشام: فاستعمل على المدينة أبادجانة الساعدى ويقال سباع بن عرفطة الغفارى (سيره ابن هشام: ج ۴ ص۱۰۲۰). ۲۴) كتاب الأمّ، شافعى: ج ۲ ص ۱۳۸. ۲۵) سيوطى به نقل از حاكم نيشابورى حديث را صحيح شمرده (الدرّ المنثور: ج ۱ ص ۲۱۷). ۲۶) السيرة الحلبية، ج ۳، ص ۳۱۸. ۲۷) صحيح مسلم: ج ۴ ص ۳۳. ۲۸) مسند أحمد: ج ۴ ص ۲۸۶، باب حديث قيس عنه البراء بن عازب؛ كنز العمّال: ج ۵ ص ۲۷۵؛ تذكرة الحفّاظ: ج ۱ ص ۱۱۶؛ ذكر أخبار إصبهان: ج ۲ ص ۱۶۲. قال الهيثمى: «رواه أبويعلى ورجاله رجال الصحيح.»، مجمع الزوائد للهيثمى: ج ۳ ص ۲۳۳. وقال الذهبى: «هذا حديث صحيح من العوالى.»، سير أعلام النبلاء: ج ۸ ص ۴۹۸. ۲۹) سوره حشر / آيه ۷. ۳۰) سوره نجم / آيه ۴. ۳۱) سوره احزاب / آيه ۳۶. ۳۲) صحيح مسلم: ج ۴ ص ۴۱، كتاب الحج باب حجّة النبى. ۳۳) روى ابن عساكر عن على بن الحسين قال: قال مروان بن الحكم: ما كان فى القوم أحد أدفع عن صاحبنا من صاحبكم يعنى عليّاً عن عثمان، قال: قلت: فما لكم تسبّونه على المنبر؟ قال: لايستقيم الأمر إلّا بذلك. تاريخ مدينة دمشق: ج ۴۲ ص ۴۳۸؛ الصواعق المحرقة: ص ۳۳؛ النصائح الكافية: ص ۱۱۴، به نقل از شرح نهج البلاغه الدارقطنى: ج ۱۳ ص ۲۲۰. قال البلاذرى: قال مروان لعلىّ بن الحسين: ما كان أحد أكفّ عن صاحبنا من صاحبكم. قال: فلم تشتمونه على المنابر؟! قال: لايستقيم لنا هذا إلّا بهذا. أنساب الأشراف: ص ۱۸۴. ۳۴) رجوع شود به: تاريخ طبرى: ج ۲ ص ۴۰۳؛ البداية والنهاية: ج ۵ ص ۱۷۰ و سيره حلبى: ج ۳ ص ۳۲۲. ۳۵) المستدرك: ج ۱ ص ۹۳. ۳۶) قال الصادق‌عليه السلام: «حديثى حديث أبى و حديث أبى حديث جدّى و حديث جدّى حديث الحسين و حديث الحسين حديث الحسن و حديث الحسن حديث أميرالمؤمنين و حديث أميرالمؤمنين حديث رسول اللّه‌صلى الله عليه وآله و حديث رسول اللّه‌صلى الله عليه وآله قول اللّه عزّوجلّ». كافى، ج ۱، ص ۵۳. ۳۷) إنّ أحراهم أن يحملهم على كتاب ربّهم وسنّة نبيّهم لصاحبك، واللّه لئن وليها ليحملنهم على المحجة البيضاء والصراط المستقيم. شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۳۲۷ و ج ۱۲، ص ۵۲. ۳۸) نهج البلاغه محمد عبده، ج ۳، ص ۸۳، نامه ۵۳. ۳۹) خصال صدوق: ج ۱ ص ۷۲؛ مجمع الزوائد: ج ۱ ص ۱۳۹.

۴۰) تاریخ یعقوبی: ج ۲ ص ۱۰۹. ۴۱) جهت توضیح بیشتر این بخش از حدیث، به کتاب «شرح اصول الکافی، مولی محمد صالح مازندرانی» و «التمهید، ابن عبد البرّ» مراجعه شود. ۴۲) نهج البلاغه، خطبه ۲۱۵. ۴۳) مسند أحمد، ج ۴، ص ۲۷۰. ۴۴) نهج البلاغه صبحی صالح، ص ۱۸۴، شماره ۱۲۷. ۴۵) مستدرک، ج ۳، ص۱۴۹، ابن حجر، صواعق المحرقة، ص ۹۱ و ۱۴۰ ط المیمنیة وص ۱۵۰ و ۲۳۴ ط المحمدیة وصححه، کنز العمال، ج ۱۲، ص ۱۰۲، ینابیع المودة، ج ۲، ص ۴۴۳، مودة أهل البیتعلیهم السلام لمرکز الرسالة، ۱۰۶، نقلاً عن الخصائص الکبری سیوطی، ج ۲، ص ۲۶۶ و احمد بن حنبل، فضائل الصحابة، ج ۳، ص ۶۷۱ – ۱۱۴۵. ۴۶) الصواعق المحرقة، ص ۲۳۷ ط المحمدیة و ص ۱۴۳ ط المیمنیة. ۴۷) المراجعات، ۷۷. ۴۸) قِدْحان: أقداح جمع قدح. ۴۹) معجم الکبیر، ج ۳، ص ۱۸۰، سیره حلبی، ج۳، ص۳۳۶. ۵۰) شواهد التنزیل: ۱/۱۹۲، الشاهد رقم ۲۵، و روح المعانی: ۲/۳۴۸، تفسیر آیه. (۶/۱۹۲)، ۵۱) سوره مائده آیه ۶۷. ۵۲) اشاره به آیه (۶۷) سوره مائده. فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمابَلَّغْتَ رِسالَتَهُ. ۵۳) احزاب (۳۳)، آیه ۶. ۵۴) صحیح بخاری، ج ۷، ص ۲۰۷ (۱۲۵۹، رقم۶۵۸۷) کتاب الرقاق، باب فی الحوض. ۵۵) تفسیر ثعلبی، ج ۷، ص ۱۹۹، تفسیر البغوی، ج ۳، ص ۴۱۲، بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۱۲۸. ۵۶) کافی، ج ۱، ص ۴۰۳. ۵۷) تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۰۹. ۵۸) کتاب سلیم بن قیس، ص ۳۷۹ و بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۱۴۸. ۵۹) بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۴۷۸ به نقل از کتاب «الطرف» سید بن طاووس. ۶۰) غیبت نعمانی، ص ۲۹۰، اختصاص شیخ مفید، ص ۲۵۷، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۳۹ و نهج السعادة، ج ۸ ص۸۱. ۶۱) سوره قصص، آیه ۲۴. ۶۲) نهج البلاغه خطبه ۱۶۰

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبِیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیتهای گسترده مرکز : الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه ج)تولید

نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و... ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».